

موقعیت جنبش کارگری ایران و محاکمه فعالین آن

بهرام رحمانی

هشتم آبان ماه هشتاد و پنج

مقدمه

سرمایه‌داران و حکومت جمهوری اسلامی حامی سرمایه، هر لحظه و هر روز به حقوق ابتدایی اقتصادی و اجتماعی کارگران تعرض می‌کنند و حتی به سفره خالی آن‌ها چشم دوخته‌اند.

اگر نگاهی به فاصله موقعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران بیندازیم عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی را به طور ملموسی مشاهده می‌کنیم. کارگران و خانواده‌هایشان از تامین نیازهای اولیه زندگی‌شان ناتوان هستند و حتی از گرسنگی نیز رنج می‌برند، در حالی که اقلیتی سرمایه‌دار با ثروت‌های بادآورده میلیاردی خود نمی‌دانند چکار کنند. هر روز وضعیت اقتصادی کارگران وخیم‌تر می‌شود و حکومت نیز همواره به سود سرمایه‌داران و کارفرمایان تضییقات جدیدی را به کارگران تحمیل می‌کند. حکومتی که هشتاد درصد اقتصادی کشور را در دست دارد و بزرگترین کارفرما محسوب می‌گردد، دیگر نیاز چندانی به نشان دادن ماهیت سرمایه‌داری و سیاست‌های ضدکارگری آن باقی نمی‌ماند.

کارگران ایران حق آزادی تشکل مستقل از دولت و اعتصاب و اعتراض و آزادی بیان ندارند. از این رو، اعتراضات کارگری اغلب با سرکوب خشن پلیسی روبرو می‌شوند و فعالین آن تحت پیگرد و تهدید قرار می‌گیرند. در چنین موقعیتی کارگران، جز اتحاد و مبارزه علیه سیستم سرمایه‌داری راه دیگری ندارند و هر گونه عقب‌نشینی در مقابل سرکوب و فشار دولت و کارفرمایان، نه تنها وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران، بلکه کل جامعه را نیز آسیب‌پذیرتر می‌کند.

این بار احمدی‌نژاد و کابینه او، با شعارهای تو خالی و وعده‌های دروغین از جمله وعده آوردن پول نفت بر سر سفره مردم و مهار تورم بر سر کار آمد، اما هنوز مدت زیادی نگذشته بود که وعده‌هایش به سرکوب و تعرض تبدیل شد. حداقل دست‌مزد بدون توجه به تورم و گرانی، در سطح بسیار پایینی تعیین گردید.

بیش از ۷۵ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دست‌مزدها متناسب با تورم افزایش نمی‌یابد، در حالی که تورم و گرانی همواره در حال افزایش است. نرخ بیکاری بسیار بالاست و دائماً سیر صعودی طی می‌کند. در چنین شرایطی، بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش می‌یابد. اکثریت جوانان و تحصیل کرده‌ها امیدی به آینده ندارند و درصد بیکاری در میان آن‌ها بسیار بالا است.

واحد اطلاعات اقتصادی اکنون‌میست در گزارشی اعلام کرد، بر اثر سیاست‌های کابینه احمدی‌نژاد حدود ۳۵ درصد از کل شاغلان در صنایع تولیدی و کارگاهی ایران بیکار شده‌اند. بر اساس این گزارش، تولیدکنندگان ایرانی با ورود

بی‌رویه کالاهای چینی روبرو هستند و عمده آن‌ها به‌طور غیرقانونی وارد ایران می‌شوند که این امر موجب کاهش تولید داخلی و افزایش فشار بر تولیدکنندگان می‌شود.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی، خط فقر يك خانوار پنج نفره را ۲۷۵ هزار تومان اعلام کرده است. این در حالی است که در سال‌های گذشته این رقم نزدیک به ۱۹۰ هزار تومان گزارش شده بود. براساس آمارهای رسمی، حداقل دست‌مزد اعلام‌شده برای سال جاری در حدود ۴۰ درصد کمتر از خط فقر برآورد شده است. در ماه‌های اوایل سال جاری کارفرمایان به بهانه دو گانه بودن دست‌مزدهای کارگران قراردادی و رسمی حدود دویست هزار کارگر را اخراج کردند.

بنا به آمارهای رسمی، حدود شش میلیون نفر در فقر مطلق، یعنی با درآمدی کمتر از ۹۰۰ تومان (یک دلار) در روز روزگار سختی را می‌گذرانند. همچنین براساس آمار ارائه شده توسط جمهوری اسلامی، ۸۰ درصد درآمدها و ثروت کشور در دست ۲۰ درصد افراد جامعه است. از سوی دیگر بیش از ۵۵ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر اعلام شده از سوی سازمان برنامه و بودجه هستند و ۱۵ درصد افراد جامعه نیز هم‌تراز خط فقر درآمد دارند و تنها ۲۵ درصد جمعیت ایران روی خط فقر بوده و در رفاه زندگی می‌کنند. یعنی ۷۵ درصد مردم ایران، با فقر عمومی دست به‌گریبان هستند.

کودکان کار و زنان کارگر همواره آسیب‌پذیرترین بخش طبقه کارگر بوده و فشارها و محرومیت‌های زیادی را متحمل می‌شوند. گزارشات و آمارهای مختلف نشان می‌دهند که کارگران زن بیشتر از همکاران مرد خود مورد اجحاف و ستم قرار می‌گیرند. زن کارگر با پشت سر گذاشتن کار روزانه سخت و طولانی در خانه نیز باید ساعت‌ها برای نگهداری کودک و شستشو و پخت و پز و غیره وقت صرف کند. سیاست‌ها و عملکردها و قوانین جمهوری اسلامی، به دلیل این که حتی زن را به عنوان یک انسان مستقل به رسمیت نمی‌شناسد، گرایش مردسالاری و زن-ستیزی را بیش از پیش تقویت کرده است. متأسفانه زن آزاری و کودک آزاری به یک امر عادی جامعه تبدیل شده است.

در چنین شرایطی، نیروهای ضدشورش جمهوری اسلامی، به اعتصاب و اعتراض کارگران حمله می‌کنند. برای نمونه در ماه‌های اخیر پلیس ضدشورش به کارگران اعتصابی پرریس کردستان و کارگران بابلسر یورش بردند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

دادگاه تفتیش عقاید سقز، برای چندمین بار دستگیرشدگان اول ماه مه ۱۳۸۳ سقز را به دادگاه احضار کرده است. دادگاه محمود صالحی و جلال حسینی در پشت درهای بسته برگزار شد. قرار است محسن حکیمی، در روز ۱۰ آبان ۱۳۸۵، در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سقز حضور یابد. در جریان دادگاه‌های اخیر اسماعیل خودکام، هادی تنومند و محمد عبدی‌پور تبرئه شده و برهان دیوارگر هم به دو سال حبس تعزیری محکوم شده است. به دنبال اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، منصور اسانلو، سخن‌گوی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را بدون دلیل دستگیر و ماه‌ها در زندان نگاه داشتند. محاکمه این فعالین کارگری، در واقع محاکمه جنبش کارگری ایران است.

جمهوری اسلامی، در حالی اخراج کارگران مهاجر افغانی را آغاز کرده است که موج گسترده‌ای از خشونت‌های قبیله‌ای و فرقه‌ای و درگیری میان نظامیان ناتو و افراد طالبان بخش‌های وسیعی از افغانستان را در بر گرفته است. در مقابل این هجوم راسیستی جمهوری اسلامی به پناهندگان و مهاجرین افغانی، طبیعی‌ست که کارگران ایران، از حقوق انسانی و اجتماعی هم‌طبقه‌های افغانی خود به عنوان شهروندان ایران دفاع کنند و سیاست‌های راسیستی جمهوری اسلامی را محکوم نمایند.

اگر همه این تصاویر جامعه ایران را در کنار هم قرار دهیم، با یک تابلوی هولناک مشکلات اقتصادی و سانسور و اختناق و سرکوب جنبش‌های اجتماعی به ویژه جنبش کارگری روبرو می‌شویم.

مدت‌هاست که در میان تشدید هياهو و جنجال بر سر بحران اتمی جمهوری اسلامی و تبلیغات گسترده رسانه‌های بین‌المللی و داخلی از احتمال حمله نظامی به ایران و یا محاصره اقتصادی این کشور، جمهوری اسلامی فرصت را مغتنم شمرده و رعب و وحشت جدیدی را با تهدید نویسندگان و روزنامه‌نگاران، بستن روزنامه‌ها، دستگیری فعالین جنبش دانش‌جویی و فعالین جنبش کارگری راه انداخته و ماشین شکنجه و اعدام را را فعال‌تر کرده است.

در چنین شرایطی، با تحلیل و بررسی اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران، از یکسو بهتر می‌توانیم موقعیت جنبش کارگری را درک کنیم و از سوی دیگر در بطن تحلیل خود، به این نتیجه می‌رسیم که مبارزه طبقه کارگر ایران، نسبت به سال‌های قبل از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است، اما به دلیل عدم تشکل‌های توده‌ای و سراسری مستقل خود، هنوز قادر نشده است مطالبات اساسی خود را بر سرمایه‌داران تحمیل کند. این ضعف بزرگ و مهم طبقه ماست. هر چند که در این سال‌ها جنبش کارگری نهادهایی را برای برپایی تشکل‌های توده‌ای خود به وجود آورده و و رهبران و فعالین شناخته شده‌ای نیز پیدا کرده است، اما این ضعف هنوز در مقابل طبقه قرار دارد. بنابراین، طبقه کارگر، تنها با اتکا به نیروی طبقاتی خود و سراسری کردن مبارزه‌اش علیه سیستم سرمایه‌داری قادر است مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به سرمایه‌داران تحمیل کند و راه مبارزه ضد سرمایه‌داری خود را برای دست زدن به تحولات تاریخی همواره سازد.

اقتصاد ایران و تورم و گرانی

ایران، یک کشور ثروت‌مندی است که بر روی دریایی از منابع طبیعی نفت و گاز خوابیده است. اما جمهوری اسلامی، با وجود این که با افزایش ناگهانی قیمت نفت در سال گذشته و سال جاری میلیاردها دلار درآمد اضافی به خزانه‌اش سرازیر شده است، اما همچنان دستمزدهای معوقه کارگران را پرداخت نمی‌کند؛ دستمزدها را متناسب با تورم و گرانی افزایش نمی‌دهد؛ از بسته شدن کارخانه‌ها و بیکار شدن کارگران جلوگیری نمی‌کند؛ برنامه جدی برای حل بحران بیکاری و اشتغال ندارد؛ اکثریت مردم ایران را دچار مشکلات اقتصادی و انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی کرده است.

۲۷ شهریور ۱۳۸۵ - ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶، سایت اینترنتی «سرمایه» نوشت: بانک جهانی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که ۵/۱ میلیون ایرانی با حداقل درآمد یعنی یک دلار در روز زندگی می‌کنند و پنج میلیون ایرانی ۷/۳۳ درصد جمعیت کشور هم با کمتر از دو دلار در روز روزگار خود را می‌گذرانند. این در حالی است که

صندوق بین‌المللی پول دیگر نهاد معتبر بین‌المللی سرمایه‌داری نیز اعلام کرده است: «درآمد سرانه هر ایرانی به سه میلیون و ۱۶۸ هزار تومان در سال رسیده و به خاطر افزایش قیمت نفت بالا رفته و به ۳.۴۶۵ دلار رسیده که نسبت به سال ۲۰۰۵ بیش از ۶۷۰ هزار تومان افزایش یافته و در سال ۲۰۰۷ به سه میلیون و ۷۲۴ هزار تومان معادل ۴.۰۷۳ دلار می‌رسد.» یعنی با وجود افزایش درآمد سرانه، غیر از تورم و گرانی کمرشکن چیز دیگری نصیب مردم اکثریت ایران نشده است.

در گزارش دیگری از بانک جهانی نیز آمده است: «ایران سی‌امین اقتصاد بزرگ جهان است و با ۵/۸ درصد رشد اقتصادی و ۱۹۶ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در بین ۳۰ کشور ثروتمند و صاحب درآمد جهان قرار دارد.» برخی کارشناسان اعلام کرده‌اند: بیش از ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقرند و چهار میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آن‌ها تحت پوشش کمیته امداد و ۳۰۰ هزار نفر هم تحت پوشش بهزیستی قرار دارند. پنج میلیون و ۵۰۰ هزار نفر نیز تحت پوشش هیچ نهاد حمایتی نیستند. برخی کارشناسان تاکید دارند که دهک‌های هشتم، نهم و دهم یعنی ۳۰ درصد کشور، زیر خط فقرند و فاصله طبقاتی شدیدی در ایران نمایان شده است. در همین حال به گفته وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی، اختلاف درآمد دهک پایین و بالای جامعه ۱۶ برابر است، در حالی که این رقم در ژاپن ۵/۴ است. برخی گزارش‌های بین‌المللی نیز حاکی از آن است که ۸۰ درصد ثروت جامعه در اختیار ۲۰ درصد مردم است.

بر اساس نتایج یک تحقیق، خانوارهای تهرانی نیازمند ۳۹۵ هزار تومان در هر ماه هستند تا از فقر مطلق خارج شوند. خط فقر مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۶۲ هزار تومان و ۱۳۰ هزار تومان در ماه اعلام شده است. نقشه فقر کشور نشان می‌دهد، ساکنان مشهد، گرگان، زاهدان و کرمانشاه با بیش‌تر از ۰/۳ درصد فقیر، فقیرترین ساکنان مناطق شهری استان‌ها و سمنان، اصفهان، شهرکرد، یزد، کرمان، اراک، همدان، زنجان، سنج، تبریز و ارومیه با جمعیت فقیر بین ۰/۲ درصد تا ۰/۳ درصد در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین استان‌های تهران، رشت، بندرعباس، شیراز، اهواز و خرم‌آباد با جمعیت فقیر بین ۰/۱ تا ۰/۲ درصد و استان‌های ساری، قزوین، قم، اردبیل، ایلام، یاسوج و بوشهر با کم‌تر از ۰/۲ درصد فقیر جزو استان‌های دارای کم‌ترین فقیر ساکنین شهری هستند.

عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، توزیع ناعادلانه ثروت، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، فقدان امکانات شغلی، ضعف مدیریت و تخصص نیروی انسانی نیز از عوامل بوجود آورنده فقر هستند.

در اوایل سال ۱۳۸۵، در حالی که حداقل دست‌مزد کارگران مبلغ ۱۵۰ هزار تومان مورد تصویب گردید، گرانی کمر شکن بود. در اردیبهشت ۱۳۸۵، برای چندمین در ماه‌های اخیر باز هم قیمت‌ها افزایش یافت. این افزایش قیمت‌ها در روزنامه شرق، چنین بوده است: بر اساس گزارش بانک مرکزی قیمت ۱۸ نوع ماده غذایی طی خرداد ماه سال جاری به نسبت سال ۸۴ افزایش را تجربه کرده‌اند. قند و شکر ۲۷/۸ درصد، حبوبات ۴۰ درصد، لبنیات ۱۷/۴ درصد، نوشابه ۱۴/۹ درصد، گوشت قرمز ۱۲/۳ درصد، سبزی‌های تازه ۱۰/۶ درصد، میوه تازه ۹/۸ درصد، عسل ۱۱/۶ درصد، برنج ۱۶ درصد، پوشاک آماده ۷/۱ درصد، پارچه ۶/۴ درصد، کفش ۱۰/۸ درصد، میزان اجاره خانه در تهران ۴۰ درصد، خدمات ساختمانی ۱۵/۷ درصد، مبلمان ۹/۵ درصد، لوازم برقی ۱۱/۳

درصد، خدمات مورد استفاده در خانه ۷/۱ درصد، لاستیک اتومبیل ۱۱ درصد، کرایه تاکسی ۱۴/۷ درصد، کرایه اتوبوس داخل شهری ۱۸/۹ درصد، کرایه مسافرت هوایی ۱۰/۱ درصد، بلیط سینما ۲۵ درصد (در تهران) و بلیط سینما در شهرستانها ۱۲/۳ درصد.

با وجود رشد فزاینده تورم و گرانی در سال جاری از یکسو رسانه‌ها از افزایش تورم خبر داده‌اند و از سوی دیگر دولت همواره چنین گرانی را تکذیب کرده است. تا این که دومین گرانی سرسام‌آور در مهر ماه، با آغاز مدارس و ماه رمضان آغاز شد، با فشار رسانه‌ها نخست خامنه‌ای و سپس برخی از نمایندگان مجلس در مورد گرانی هشدار دادند. اما هنوز هم احمدی‌نژاد و کابینه‌اش هیچ اقدام جدی برای پایین آوردن گرانی انجام نداده‌اند و فقط شعارهای پوچ را تکرار می‌کنند.

گروه خبری خبرگزاری ایلنا، گزارشی از طرح دولت برای به اصطلاح مبارزه با گرانی در ماه رمضان، تحت عنوان «طرح ضیافت» و نتایج آن برای مردم، از جمله نوشت: «امروز اولین روز ماه رمضان است به بازار رفتیم، غیرقابل باور بود برایمان، مگر می‌شود طی چند روز افزایش قیمت در کلیه کالاها از ۲۰۰ تومان تا ۳۰۰۰ تومان را شاهد باشیم...

قیمت گوشت قرمز گوساله و گوسفندی از 6100 تومان تا ۷۷۰۰ تومان در مغازه‌های سطح شهر تهران در روز اول ماه رمضان در نوسان است...

در این ماه قیمت سبزیجات از جمله سبزی آش به شدت بالا رفته، به طوری که قیمت سبزی از کیلویی ۲۵۰ تومان به کیلویی ۴۰۰ تومان رسیده است...

اولین روز این ماه، قیمت لپه با افزایش قیمت به ۱۷۰۰ تومان رسید... قیمت لپه از کیلویی ۱۴۰۰ تومان به کیلویی ۱۷۰۰ تومان افزایش یافته و قیمت سایر حبوبات نظیر نخود، عدس، و انواع لوبیا افزایش ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومانی داشته است. امروز شکر کیلویی ۸۵۰ تا ۹۰۰ تومان در سطح شهر تهران توزیع می‌شود؛ البته قیمت هر کیلو شکر طی ماه‌های قبل از رمضان ۷۵۰ تا ۸۰۰ تومان بوده است...

در حالی که قرار بود؛ ۱۰ هزار تن روغن نباتی با ۱۵ درصد زیر قیمت عرضه شود؛ ولی امروز قیمت روغن مایع با افزایش ۱۰۰ تا ۲۵۰ تومانی در حال عرضه در مغازه‌های تهران است...

در چنین شرایطی، بسیاری از خانواده‌ها فقط به نان خشک و خالی روزانه نیاز دارند. میزان حمایت کمیته امداد خمینی برای هر خانواده دو نفره ۳۰ هزار تومان و برای خانواده‌های بالای ۴ نفر حدود ۴۰ هزار تومان است. آیا می‌توان با این مبلغ ناچیز در کشوری که تورمی بیش از ۲۸ درصد دارد زندگی کرد؟

در وحشت از اوجگیری نارضایتی اجتماعی علیه گرانی سرسام‌آور، مجلس ۶ تن از وزیران و روسای ارگان‌های اقتصادی کابینه احمدی‌نژاد را در این رابطه احضار کرد. به نوشته روزنامه دنیای اقتصاد، این ۶ تن عبارتند از: وزیران اقتصاد و دارایی، بازرگانی، صنایع و معادن، کشاورزی و روسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و بانک مرکزی. البته احضار وزرا و مسئولین به مجلس هیچ موقع نتیجه‌ای نداده و کسی هم انتظار ندارد این مجلس گامی در جهت بهبود جامعه بردارد. زیرا تاکنون رهبری جمهوری اسلامی و دولت و مجلس همواره در یک اقدام

هماهنگ همه سیاست‌های و قوانین و مقررات غیرانسانی خود را با توسل به زور و پلیس و غیره به مردم تحمیل کرده‌اند.

سیاست خصوصی سازی و اخراج کارگران

خصوصی‌سازی، اساساً در ارتباط مستقیم با سیاست‌های جهانی‌سازی اقتصاد بورژوازی قرار دارد و بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز به طور مداوم اجرای این سیاست را به کشورهای عقب مانده و در حال رشد و پیرامونی توصیه و تجویز می‌کنند.

سیاست‌های نئولیبرالیستی خصوصی‌سازی و بازگذاشتن دست سرمایه‌های داخلی و کمپانی‌های خارجی در به کارگیری نیروی کار ارزان و همچنین حذف سوبسیدهای دولتی، لغو برخی از مالیات‌ها، تعطیلی واحدهای کاری ضرر ده و بازگذاشتن دست سرمایه‌داران در اخراج کارگران و تعیین قیمت اجناس و غیره است. بنابراین، نهادهای سرمایه‌داری بین‌المللی از همه دولت‌های جهان، به ویژه کشورهایمانند جمهوری اسلامی که در آن‌ها سرمایه‌داری دولتی حاکم است همواره می‌خواهند به روند خصوصی‌سازی شتاب بیشتری بدهند.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، با صدور فرمانی به اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری صنایع مادر به بخش خصوصی تأکید کرد.

ایسنا، ۱۲ تیر ماه ۸۵، درباره فرمان خامنه‌ای، نوشت، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی بند «ج» اصل چهار و چهار قانون اساسی را درباره توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی، به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کرد. اجرای این سیاست‌های استراتژیک و واگذاری هشتاد درصد از سهام کارخانه‌ها و بنگاه‌های بزرگ دولتی مشمول اصل چهار و چهار را شامل می‌شود.

سیاست‌های کلی نظام درباره بندهای «الف» و «ب» اصل چهار و چهار قانون اساسی نیز سال گذشته به روسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده بود.

متن ابلاغیه علی خامنه‌ای به این شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ضرورت شتاب گرفتن رشد و توسعه اقتصادی کشور مبتنی بر اجرای عدالت اجتماعی و فقرزدایی در چارچوب چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور

* تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت * توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی * آماده سازی بنگاه‌های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرآیند تدریجی و هدفمند * توسعه سرمایه انسانی دانش و پایه و متخصص * توسعه و ارتقای استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی * جهت‌گیری خصوصی‌سازی در راستای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی و

بنا بر پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطابق بند ۱ اصل ۱۱۰ ابلاغ می‌گردد.

واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیر دولتی به شرح ذیل مجاز است:

۱- بنگاه‌های دولتی که در زمینه‌های معادن بزرگ، صنایع بزرگ و صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) فعال هستند به استثنای شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز

۲- بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک ملی ایران، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات

۳- شرکت‌های بیمه دولتی به استثنای بیمه مرکزی و بیمه ایران

۴- شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی به استثنای سازمان هواپیمایی کشوری و سازمان بنادر و کشتیرانی

۵- بنگاه‌های تامین نیرو به استثنای شبکه‌های اصلی انتقال برق

۶- بنگاه‌های پستی و مخابراتی به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی

۷- صنایع وابسته به نیروهای مسلح به استثنای تولیدات دفاعی و امنیتی ضروری به تشخیص فرمانده کل قوا

الزامات واگذاری:

الف) قیمت‌گذاری سهام از طریق بازار بورس انجام می‌شود.

ب) فراخوان عمومی با اطلاع رسانی مناسب جهت ترغیب و تشویق عموم به مشارکت و جلوگیری از ایجاد انحصار و رانت اطلاعاتی صورت پذیرد.

ج) جهت تضمین بازدهی مناسب سهام شرکت‌های مشمول واگذاری اصلاحات لازم درخصوص بازار، قیمت‌گذاری محصولات و مدیریت مناسب بر اساس قانون تجارت انجام گردد.

د) واگذاری سهام شرکت‌های مشمول طرح در قالب شرکت‌های مادر تخصصی و شرکت‌های زیر مجموعه با کارشناسی همه‌جانبه صورت گیرد.

ه) به منظور اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های مشمول واگذاری با استفاده از ظرفیت‌های مدیریتی کشور، اقدامات لازم جهت جذب مدیران باتجربه، متخصص و کارآمد انجام پذیرد.

و) فروش اقساطی حداکثر ۵ درصد از سهام شرکت‌های مشمول بند «ج» به مدیران و کارکنان شرکت‌های فوق مجاز است.

ز) با توجه به ابلاغ بند «ج» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و تغییر وظایف حاکمیتی، دولت موظف است نقش جدید خود در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی را تدوین و اجرا نماید.

ح) تخصیص درصدی از منابع واگذاری جهت حوزه‌های نوین با فناوری پیشرفته در راستای وظایف حاکمیتی

مجاز است. سید علی خامنه‌ای، ۱۰/۴/۸۵»

بر اساس این فرمان، خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی به منظور افزایش کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت خصوصی توصیف شده و آمده است که این تصمیم به پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام و مطابق با اصل ۱۱۰ قانون اساسی اتخاذ شده است. اصل ۱۱۰ به خصوصیات و وظایف و اختیارات رهبری جمهوری اسلامی اختصاص دارد.

اجرای خصوصی‌سازی و بیکارسازی‌های گسترده در ایران، از دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی- (سردار سازندگی)، آغاز شده و در سال گذشته با آغاز ریاست احمدی‌نژاد، این روند شتاب بیشتری یافته است. احمدی‌نژاد، که در تبلیغات انتخاباتی خود به مردم فقیر و کارگران وعده می‌داد، پول نفت را به سفره آن‌ها خواهد آورد نه تنها ذره‌ای از این وعده‌هایش را عملی نکرده، بلکه فقر و فلاکت شدیدتری را نیز به کارگران و مردم فقیر تحمیل کرده است.

نماینده بیچار در مجلس شورای اسلامی، در گفتگویی با ایلنا، ضمن دفاع از خصوصی‌سازی، اقرار کرده است: «گروه صنعتی ملی در سال‌هایی نه چندان دور با ۳۲ شرکت تحت پوشش ۱۴ هزار و ۵۰۰ کارگر را در اختیار داشت و امروز این گروه صنعتی به پارکینگ اتومبیل‌های فرسوده و اسقاطی تبدیل شده است... پس از تعطیلی این گروه بزرگ صنعتی که به خاطر مسایلی چون واردات و رکود بازار فروش و کمبود نقدینگی، رخ داد ۲۰۰ نفر خودکشی کردند...»

او گفت: «بار دیگر تاکید می‌کنم که هیچ‌کس مخالف سیاست‌های اشتغال دولت نیست، اما آیا بهتر نیست که در کنار اجرای این سیاست‌ها، در فکر حفظ اشتغال موجود هم باشیم و به هنگام مشکلات، به کمک مدیران کارخانه‌ها برویم.» البته همان‌طور که در بالا نیز اشاره کنیم اساساً نتیجه خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی، واگذاری صنایع مادر به نزدیکان سران و مقامات حکومت و سپاه پاسداران است. سردار عابدزاده، جانشین قرارگاه سازندگی سپاه پاسداران موسوم به خاتم‌الانبیاء در مراسم انعقاد قرارداد کلان نفت و گاز، با صراحت اعلام داشت: «سپاه از شانزده سال پیش به این سو ۱۲۲۰ پروژه ملی، منطقه‌ای، عمومی و معدنی را اجرا کرده و ۲۷۴ پروژه دیگر هم در حال اجرا دارد.»

درآمدهای کلان نفتی جمهوری اسلامی، تنها طی سه ماه آغازین سال ۱۳۸۵ به ۱۵ میلیارد دلار رسید و به عقیده کارشناسان اقتصادی و پیش‌بینی‌ها جمهوری اسلامی تا آخر سال جاری به حدود ۶۰ میلیارد دلار درآمد نفتی دست پیدا خواهد کرد. سپاه پاسداران، در مدت یک ماه، سه قرارداد کلان اقتصادی به مبلغ ناقابل هفت میلیارد دلاری را تصاحب کرد. این روند میل‌تاریزم و نقش ویژه سپاه پاسداران در مجلس شورای اسلامی و دولت احمدی‌نژاد را آشکارا به نمایش می‌گذارد. در پایین نقش و دخالت سپاه پاسداران در عرصه اقتصاد و سیاست را بیش‌تری بررسی خواهیم کرد.

خصوصی‌سازی در همه جهان به ضرر کارگران و مردم فقیر است. زیرا از جمله خدمات رفاهی دولتی، بیمارستان‌ها، مدارس، سیستم حمل و نقل و غیره به سرمایه‌داران بخش خصوصی واگذار می‌شود، سوبسیدهای دولتی قطع می‌گردد و اکثریت جامعه از این خدمات رفاهی محروم می‌شود.

اقتصاد و سیاست و سپاه پاسداران

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور دخالت مستقیم دارد. اما پس از مجلس هفتم و ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، نقش سپاه هم در عرصه اقتصاد و هم در عرصه سیاست کشور افزایش چشمگیری یافته است. اصولاً این نوع فعالیت نظامیان در کشورهای جهان، به ویژه غرب، مسئله چندان شناخته شده‌ای نیست. اصولاً نظامیان در اقتصاد و سیاست کشور مداخله نمی‌کنند، چون که اگر وارد رقابت‌های اقتصادی و سیاسی شوند به امنیت کشور لطمه می‌زنند. مگر این که در کشورهای کودتاخیز نظامیان دست به کودتا بزنند و برای یک دوره معین حکومت را در دست بگیرند. اما در ایران، به ویژه پس از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد که خود از اعضای این سپاه بوده است، تعداد فرماندهان سابق سپاه هم در مجلس شورای اسلامی و هم در دولت و دیگر ارگان‌های آن همچون شهرداری‌ها افزایش یافته و امکانات کلان اقتصادی جدیدی نیز به این سپاه واگذار شده است، نشانه‌های آشکار میلیتاریزه کردن جامعه ایران است.

سپاه پاسداران، در برخی کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی علاوه بر سرمایه‌گذاری‌های کلان، برای گروه‌های حزب‌اللهی نیز کمک‌های اقتصادی و نظامی می‌کند. این سپاه، در عرصه قاچاق اجناس و مواد مخدر و اسلحه نیز بسیار فعال است. آن بخش از سلاح‌هایی که جمهوری اسلامی، به ویژه در دوران جنگ ایران و عراق، از راه‌های به اصطلاح قانونی نمی‌توانسته تهیه کند از طریق قاچاق به دست می‌آورد. از این رو سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، روابط نزدیک و حسنه‌ای با باندهای مافیایی و تروریستی دارد.

در مجموعه فعالیت‌های شرکت‌های وابسته به سپاه، تولید فیلم سینمایی، مرغ‌داری، زنبورداری، اخذ نمایندگی از شرکت‌های خارجی، فعالیت‌های بازرگانی ترخیص کالاهای وارداتی، استخراج سنگ، ساخت اتوبان و سد به چشم می‌خورد. اما با این حال، فعالیت‌های اقتصادی سپاه در صنعت نفت محدود بود. سپاه، ابزارهای تبلیغی مستقل خود را دارد.

سپاه پاسداران، همچنین خود دارای سازمان اطلاعاتی مستقلی است که در صورت لزوم مستقیماً در سرکوب اعتراضات توده‌ای، اعتراضات کارگری و دانشجویی، دخالت می‌کند.

سپاه، فرماندهی نیروهای بسیج را نیز در کنترل خود دارد که به ادعای مقامات حکومت، اعضای میلیونی دارد. بسیج، در کوچه و خیابان، زنان و جوانان را تحت عنوان «مبارزه با بدحجابی» تهدید می‌کند. نیروهای بسیج، در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها نیز برای کنترل جنبش کارگری و دانشجویی حضور دارند. سپاه راه قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران و از این کشور به ترکیه و از آنجا به غرب را در انحصار خود دارد.

سپاه، دارای نیروهای زمینی، هوایی و دریایی مختص خود است که کاملاً مستقل از ارتش ایران فعالیت می‌کند. بنابراین، سپاه پاسداران، یکی از نیروهای نظامی عمده در ایران است.

فرماندهان و اعضای سابق این نیرو، از جمله محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، اکنون تمام ساختارهای حکومتی و امنیتی ایران را در دست دارند. در واقع پس از ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، قدرت اقتصادی و سیاسی فرماندهان سپاه چندین برابر شده است.

همه جناح‌های جمهوری اسلامی، هر کدام بسته به موقعیت‌شان از این نیرو ترس و واهمه دارند. زیرا این نیرو در سرکوب‌های اوایل انقلاب، به ویژه سرکوب اعتراضات بر حق مردم کردستان، در تعقیب و تهدید و ترور و شکنجه و اعدام بی‌رحمانه مخالفین جمهوری اسلامی، و حضور ۸ ساله در جبهه‌های جنگ ایران و عراق، فعالیت در جوخه‌های ترور، به یک نیروی خشن و آدمکش تبدیل شده است.

سپاه هم اکنون، صاحب شاه‌رگ‌های اقتصادی ایران، یعنی منابع نفت و گاز نیز شده است. همین حدود دو ماه پیش بود که گروه مهندسی سپاه، طی یک قرارداد ۲,۳ میلیارد دلاری توسعه یک میدان گازی را در خلیج فارس تصاحب کرد. سپاه همچنین توانسته قرارداد ۱,۳ میلیارد دلاری ساخت لوله گازی میان ایران و پاکستان را از آن خود کند.

انعقاد یک قرارداد بزرگ در حوزه نفت و گاز بین وزارت نفت و سپاه پاسداران، بیش از آن که به اقتصاد مربوط باشد، در شرایط بحرانی کنونی کشمکش غرب و جمهوری اسلامی، بر سر تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، نشان‌دهنده موقعیت برتر سپاه پاسداران، به عنوان یک ارگان نظامی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی ایران است.

کاظم وزیر ی همامانه، وزیر نفت و یحیی رحیم صفوی، فرمانده کل سپاه پاسداران، هنگام انعقاد قرارداد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلاری احداث خط لوله گاز از منطقه عسلویه به ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان حضور داشتند، اعلام کرده‌اند که بدون رعایت قوانین مربوط به برگزاری مناقصه، این امتیاز به طور ویژه به سپاه داده شده است.

این اولین حضور سپاه پاسداران در حوزه نفت و اقتصاد نیست، بلکه در سال‌های اخیر، سپاه پروژه‌های بزرگ دیگری از جمله در زمینه‌های سد سازی و احداث اتوبان بوده است، اما اکنون این فعالیت‌ها به نقطه اوج خود رسیده است.

جالب این است که حتی محافظه‌کاران و اصول‌گرایان که قوای سه گانه را در اختیار دارند، مقاومت‌هایی برای جلوگیری از تسلط آشکار سپاه بر حوزه نفت، به عنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد کشور از خود نشان داده‌اند؛ همین مقاومت بود که احمدی‌نژاد را برای انتخاب وزیر نفت با دشواری‌هایی روبرو کرد.

سپاه پاسداران، در مقابل دولت و مجلس شورای اسلامی جوابگو نیست و به آن‌ها گزارش اقتصادی، سیاسی و نظامی نمی‌دهد، بلکه در صورت نیاز گزارشات خود را مستقیماً به خامنه‌ای، ارائه می‌دهد. بنابراین، هیچ گزارش نظامی و اقتصادی رسمی درباره فعالیت‌های سپاه پاسداران منتشر نمی‌شود. مگر این که در دعوای جناحی گوشه‌هایی از مسایل سپاه به رسانه‌ها درز نماید. برای مثال، روزنامه «صدای عدالت»، در یکی از سرمقاله‌های خود با عنوان «نباید فضای اقتصادی کشور را امنیتی کرد»، نوشت: «در هفته‌های اخیر خبرهای منتشر شده حاکی از واگذاری بزرگ‌ترین قرارداد نفتی تاریخ ایران و صدور حکم برای صادق محصولی در مقام مشاورت رئیس جمهور است.» بودجه آن نیز کاملاً محرمانه است.

تغییر قانون کار

قانون کار جمهوری اسلامی، در کلیت خود یک قانون ضدکارگری است، اما با این وجود در سال‌های اخیر هر بندی از این قانون که به نفع کارگران بوده مانند خارج کردن کارگران کارگاه‌های زیر پنج نفر و ده نفر از شمول

قانون کار به نفع سرمایه‌داران و کارفرمایان تغییر داده شده است. اکنون نیز وزارت کار جمهوری اسلامی، در نظر دارد تغییرات بیش‌تری در آن به وجود آورد.

شکی نیست که هر قانون کاری اگر بدون دخالت کارگران تدوین و تصویب شود مورد پذیرش کارگران نخواهد بود و بی‌اعتبار است. مهم‌تر از همه تدوین قانون کار، امر مستقیم خود کارگران است.

سال‌ها اوایل انقلاب ۱۳۵۷ مردم ایران، احمد توکلی، وزیر کار دولت موسوی، پیش‌نویس یک قانون کار ضدکارگری را تهیه کرد که به «قانون کار توکلی» مشهور شد. این قانون کار، به دلیل مخالفت و مقاومت کارگران به تصویب نرسید. سرانجام این قانون کار، با تغییرات زیادی در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید که با پیش‌نویس اولیه آن تفاوت‌های زیادی داشت.

علینقی جهرمی، وزیر کار و امور اجتماعی که در همایش با اصطلاح «تشکل‌های کارگری و کارفرمایی بسیج واحدهای تولیدی» سخنرانی می‌کرد، گفت: در نظر داشتیم که ۶۳ ماده قانون کار را اصلاح کنیم اما در حال حاضر بر اصلاح و حذف ۵ ماده این قانون اصرار داریم.

مواد ۷، ۲۴، ۲۷ و ۱۹۱ قانون کار را از جمله موارد مورد نظر برای اصلاح است و اصلاح قانون کار حکم برنامه چهارم توسعه است. احتمالاً در تغییرات جدید قانون کار، تاریخ مصرف انجمن‌ها و شوراهای اسلامی کار نیز احتمالاً به نوعی به پایان خواهد رسید. به همین دلیل، پیشنهاد جدید وزیر کار برای تغییر قانون کار، با مخالفت تشکل‌های دست‌ساز حکومت، یعنی انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی کار نیز روبرو شده است.

شایان ذکر است که هنگام برگزاری اولین کنگره خانه کارگر در سال ۶۶، ۱۱۰۰ شورای اسلامی تشکیل شده بود و در دوران وزارت حسین کمالی، به ۳۲۸۰ شورا رسید. اما این ارگان‌های پلیسی، دچار بحران و اضمحلال شد و بسیاری از واحدهای آن منحل گردید. حسن صادقی، یکی دیگر از سردمداران خانه کارگر جمهوری اسلامی، اقرار کرده است، در تهران ۱۴ میلیونی به دلیل مخالفت فعالین کارگری و عدم استقبال کارگران، ۲۴ انجمن صنفی کارگری دارای اعتبارنامه وجود دارد.

وزیر کار، خانه کارگر را یک نهاد سیاسی توصیف کرد و گفت: «اگر این نهاد سیاسی نیست چرا مجوز خود را از وزارت کشور اخذ کرده و چرا در انتخابات مختلف شرکت می‌کند و از بودجه احزاب استفاده می‌کند. شوراهای اسلامی کار نیز سیاسی کاری می‌کنند. این نهادها یک گروه سیاسی هستند و وظایف صنفی خویش را فراموش کرده‌اند.» وی گفت، در حال حاضر ۱۷ هزار واحد صنعتی بالای ۳۵ کارگر واجد تشکیل شورای اسلامی کار هستند که صرفاً در ۱۱۰۰ واحد، این نهاد تشکیل شده است.

البته مخالفت خانه کارگری‌ها با بحث‌های وزیر کار، ناشی از کشمکش‌های جناحی است. زیرا ارگان‌های یاد شده در انتخابات ریاست جمهوری اخیر، از کاندیداتوری هاشمی رفسنجانی حمایت کردند. رفسنجانی، در واقع پدر خوانده خانه کارگر است.

هدف وزیر کار، از «غیرقانونی» نامیدن سیاسی کاری خانه کارگر، فراتر است و کل طبقه کارگر را مدنظر دارد. از این رو، این بخش از سخنان ایشان، مسخره و غیرواقعی است. هدف او، جلوگیری از فعالیت سیاسی کارگران، فعالیت‌های رادیکال و ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر است که خواست و آرزوی دائمی سرمایه‌داران است. تاکنون

خانه کارگر، نوع سیاست‌های پلیسی و سرکوبگری جمهوری اسلامی را برای مهار طبقه کارگر پیش برده و کارگران فعال زیادی را لو داده و باعث زندان و شکنجه و حتی اعدام آن‌ها نیز شده است. همین سیاست خانه کارگر است که با بی‌تفاوتی کارگران روبرو شده است، نه این که کارگران خواهان فعالیت سیاسی نیستند. برعکس، اگر کارگران مستقیماً هر تشکلی را برپا کنند بی‌شک در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت خواهند کرد. البته رفرمیست‌های جنبش کارگری خارج از حکومت نیز حتی در جریان اول ماه ۸۳ سقز که ۷ تن از فعالین جنبش کارگری، به دلیل شرکت و سازمان‌دهی مراسم روز جهانی خود، دستگیر شدند، با این بهانه که این حرکت سیاسی است از آن‌ها حمایت نکردند. حتی از جمله در خارج کشور سائیتی به نام «بنیاد کار»، بحث‌هایی را تحت عنوان «مصاحبه با دوستان؟!»، درج کرد که این دوستان بی‌نام و نشان، اقدام بر حق کارگران سقز را به دلیل این که آن‌ها به یک اقدام سیاسی دست زده‌اند را شدیداً مورد انتقاد گرفته و از آن‌ها دفاع نکردند. در دور اخیر دادگاهی این فعالین کارگری، نه تنها گرایش رفرمیستی و لیبرالی، سیاست سکوت اختیار کرده است، بلکه در محافل خود تبلیغات سوئی نیز علیه این چهره‌های سرشناس جنبش کارگری ایران و کردستان راه انداخته‌اند.

در هر صورت در تغییرات قانون کار در این سال‌ها، حکومت آشکاراً طرف کارفرمایان و سرمایه‌داران را گرفته است. به طوری که کارفرما حق دارد در هر شرایطی عذر کارگر را بخواهد و از کار اخراج کند. ناگفته نماند که جمهوری اسلامی، به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور، هشتاد درصد اقتصاد جامعه ایران را در اختیار دارد و میلیون‌ها کارگر در بخش دولتی اشتغال دارند که شدیداً استثمار می‌گردند، بیش از کارفرمایان خواهان تغییر قانون کار به نفع سرمایه‌داران است.

در اصلاحیه جدید ماده ۲۷ این فصل که در طول سالین گذشته مورد انتقاد کارفرمایان بوده است، به گونه‌ای اصلاح شده است که اگر کارگر در انجام وظایف محوله کوتاهی کند و آئین‌نامه انضباطی کارگاه را رعایت نکند کارفرما می‌تواند با حداقل دوبرابر تذکر کتبی در فاصله کمتر از ۱۵ روز قرارداد او را لغو کند. از این رو اگر این لایحه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد کارفرما از اختیارات فوق‌العاده‌ای برای اخراج کارگران برخوردار خواهد شد.

کلیه قوانین جمهوری اسلامی، از قانون اساسی تا قانون کار و غیره همگی ارتجاعی و غیرانسانی هستند و به طور کلی حداقل با قوانین جهان‌شمول بین‌المللی سرمایه‌داری نیز مغایرت عمیق دارند.

در بند ۱ ماده ۱ مقاوله نامه شماره ۹۸ سازمان بین‌المللی کار، چنین آمده است: «کارگران می‌بایستی در برابر اقدامات ضدسندیکایی و تبعیض‌آمیز در خصوص اشتغال از حمایت کافی برخوردار باشند»، در بند ۲ ماده ۱ نیز مقرر شده است: «ممنوعیت اخراج کارگران یا ایجاد مزاحمت برای آنان به هر وسیله به علت عضویت در تشکل‌های کارگری یا به علت شرکت در فعالیت‌های تشکیلاتی در ارتباط با تشکل در غیر ساعات‌های کار» اعمال گردد.

ماده ۳ مقاوله نامه مزبور مقرر می‌دارد که «در صورت لزوم بر اساس شرایط ملی می‌بایستی تدابیری اتخاذ گردد تا کارفرمایان و تشکل کارفرمایی از یک سو و تشکل‌های کارگری از سوی دیگر تشویق شوند که از طریق

گفتگوهای داوطلبانه در جهت ایجاد قراردادهای دست جمعی بکوشند و بدین وسیله مقررات و استانداردها و شرایط کار را بین خود تنظیم کنند.»

بدین ترتیب، قانون کار فعلی جمهوری اسلامی، با مقوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین‌المللی کار که جمهوری اسلامی نیز آن را امضا کرده است مغایرت آشکار دارد، طبیعی است که نمایندگان این حکومت، براساس قوانین خود سازمان جهانی کار، باید از این سازمان اخراج شوند. زیرا آن‌ها نه نمایندگان کارگران، بلکه نمایندگان سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه هستند. هر چند که در شرایط حاضر نباید انتظاری از این سازمان داشت تا نمایندگان جمهوری اسلامی را اخراج کند، اما می‌توان با طرح این مسئله، به مثابه یک ابزار تبلیغی و اهرم فشار استفاده کرد.

در رابطه با قانون کار، علاقه‌مندان می‌توانند در سایت حزب کمونیست ایران www.cpiran.org به نشریه جهان امروز شماره ۱۷۸، نیمه اول مهر ۱۳۸۵ - نیمه اول اکتبر ۲۰۰۶، مراجعه کنند و مقاله «تدوین قانون کار، امر مستقیم کارگران است» را مطالعه کنند.

قراردادهای موقت کار

وضع کارگران در ایران هر روز بحرانی‌تر می‌شود. به عنوان نمونه تنها تعداد کارگران اخراجی استان تهران از ابتدای سال تا پایان خرداد ماه ۱۳۸۵ در حدود ۲۵ هزار نفر بوده که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته ۲۰ درصد رشد داشته است. تعیین دست‌مزد شناور بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تومان نیز در قراردادهای موقت کار که به توافق کارفرما و کارگر محول شده موجب اختلاف و شکایت بسیاری از کارگران بوده است. اما تلاش کارگران برای پیگیری حقوق خود، نه تنها هیچ نتیجه مثبتی نداشته، بلکه به اخراج هزاران کارگر نیز منجر شده است.

بنا به گزارش رسانه‌های ایران، برخی از شرکت‌ها و کارخانه‌ها، بخش مهمی از کار را به پیمانکاران واگذار کرده و در برابر هر کارگر حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ هزار تومان پرداخت می‌کنند؛ اما حداکثر ۱۵۰ هزار تومان در ماه به کارگران پرداخت می‌شود. علاوه بر این، کارگران قراردادی، از هیچ حمایت قانونی برخوردار نیستند و حتی کارگران موقت بیمه نمی‌شوند. در بسیاری از شرکت‌های دولتی نیز همین وضع برقرار است.

طبق آمارهای موجود، ۶۷ درصد کارگران کشور زیر پوشش قراردادهای موقت کار هستند و هر ساله در حدود ۱۵ تا ۱۹ درصد به شمار کارگران قراردادی افزوده می‌شود.

در بسیاری از مواقع کارفرمایان هنگام انعقاد قرارداد موقت کار با کارگران قراردادی، از متقاضی می‌خواهند که امضای خود را در زیر یک ورقه سفید بگذارد و یا از او سفته می‌گیرند. کارگر نیز اجباراً این‌ها را می‌پذیرد. کارفرما هنگامی که قصد اخراج کارگر را دارد هر آنچه که دلش می‌خواهد در کاغذ سفیدامضا وارد می‌کند و یا سفته را به اجرا می‌گذارد تا از این طریق همه راه‌های «قانونی» را به روی کارگر اخراجی ببندد.

گفته شده است در ماه‌های آغازین سال جاری حدود دویست هزار کارگر از کار اخراج شده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد.

وضعیت زنان کارگر

امروزه به دلایل شرایط سخت اقتصادی، زنان نقش مهمی در پیشبرد اقتصادی جامعه و خانواده ایفا می‌کنند، اما در عین حال زنان از تبعیض و مردسالاری همواره در رنجند. حتی در یک کار برابر دست‌مزد کارگر زن بسیار کمتر دست‌مزد همکار مرد او است.

جمهوری اسلامی، در عملکردهای روزانه و در کلیه قوانین خود بی‌حقوقی مطلق زن را در ایران به طور سیستماتیک و سازمان یافته‌ای رسمیت داده و زندگی برده‌واری را بر زنان این کشور تحمیل کرده است. در این میان موقعیت زنان کارگر و خاندان بسیار دردناک است. بنا به اظهار مہری سوزی، عضو شورای فرهنگی، اجتماعی بانوان و مشاور وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، «بیش از ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار زن خانه دار در کشور وجود دارند.» به زنان خاندان، در مقابل کارهای سخت خانگی با ساعات کار طولانی هیچ دست‌مزدی پرداخت نمی‌گردد و هیچ‌گونه بیمه‌ای نیز به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. از این رو زن خاندان به لحاظ اقتصادی کاملا وابسته به مرد می‌شود که این امر از یک سو معیشت و زندگی خانواده را دچار مشکل می‌کند و از سوی دیگر، به تقویت مردسالاری منجر می‌گردد. همین وابستگی اقتصادی زنان به مردان، هر چه بیشتر سرکوب و تحقیر زنان را به دنبال دارد. بنابراین، تلاش برای پرداخت دست‌مزد و یا بیمه بیکاری توسط حکومت، از جمله راه‌هایی هستند که به استقلال نسبی زنان خاندان کمک می‌کند.

برای مثال زنان کارگر شرکت «شیردوشان» نیشابور، ماهیانه ۳۰ هزار تومان دست‌مزد می‌گیرند. کلیه کارگران این شرکت را زنان تشکیل می‌دهند که فقط در شیفت شب کار کرده و ۳۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند. شرکت «شیردوشان»، تولید کننده انواع مواد لبنی پنیر، ماست و خامه بوده و کارگران این شرکت، روزی ۱۲ ساعت کار می‌کنند. از کارگران ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان چک و سفته به عنوان ضمانت دریافت شده است. سعید عمارلو، از عناصر خانه کارگر جمهوری اسلامی، در این باره به خبرگزاری ایلنا، گفته است: «در جلسه‌ای که در فرمانداری شهرستان و با حضور فرماندار، مسئولان اداره کار، اداره اطلاعات، صنایع و معادن و دبیر اجرایی خانه کارگر نیشابور برگزار شد، مشکلات واحدهای صنعتی نیشابور به ویژه شرکت مذکور مورد بررسی قرار گرفت و مسئولان در جهت رفع مشکلات کارگران و برخورد قاطع با شرکت‌هایی که اقدام به دریافت چک و سفته از کارگران می‌کنند، قول مساعد دادند.»

لازم به یادآوری است که در کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ که در پکن برگزار شد، دولت‌ها از جمله جمهوری اسلامی، متعهد شدند که تغییرات اساسی در بهبود زیست و زندگی زنان فراهم کنند.

اما اکنون با گذشت یازده سال از این کنفرانس، هنگامی که به وضعیت زنان نگاه می‌کنیم، تغییر اساسی در بهبود وضعیت آن‌ها نمی‌بینیم. آمارهای بین‌المللی همواره از وضعیت دهشتناک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زنان در سطح جهان خبر می‌دهند. بنابراین، در این سال‌ها، خشونت علیه زنان و فقر نه تنها کم نشده، بلکه افزایش هم یافته است.

در حاکمیت جمهوری اسلامی، حتی زن به عنوان یک انسان کامل به رسمیت شناخته نمی‌شود و همه قوانین و مقررات آن نیز مردسالارانه و به ضرر زنان است.

در چنین وضعیتی، ضروری است که زنان و مردان کارگر همچون کارگران بیکار و شاغل در یک صف متحد و متشکل بر علیه سرمایه‌داری از جمله هرگونه ستم بر زنان در جهت برابری زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مبارزه کنند.

کودکان رنج و کار

کودکان کار در همه جای جهان شاید بی‌پناه‌ترین و آسیب‌پذیرترین بخش جامعه هستند. کار کودکان در هر جامعه‌ای، دردناک‌ترین و زشت‌ترین ستم و استثمار انسانی و واقعیت‌های تلخ جوامع سرمایه‌داری، به ویژه کشورهای پیرامونی است. کودکان کار، بیش‌تر از دیگر کارگران مورد بهره‌کشی و آزار و اذیت کارفرمایان و حتی والدین قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، ۲۷۵ میلیون کودک در سراسر جهان در معرض خشونت‌های خانوادگی قرار دارند.

یونیسف، در آخرین گزارش خود نوشته است: کارشناسان مسائل کودکان اعتقاد دارند که اعمال خشونت‌آمیز علیه کودکان در خانواده باعث بروز عقده‌های روحی، مشکلات تحصیلی، محدودیت در روابط اجتماعی، افسردگی و استرس فراوان خواهد شد.

یونیسف، از دولت‌های جهان خواسته است که عواقب اعمال خشونت علیه کودکان در خانواده را به اطلاع عموم رسانده و قوانین سخت‌تری علیه ضرب و شتم کودکان وضع نمایند.

براساس بیانیه سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی که اخیراً به مناسبت روز کودک منتشر شده است، تنها ۷ درصد از کودکان ایرانی شانس راهیابی به مهد کودک دارند و ۹۳ درصد باقی‌مانده محروم از حضور در فضای مهد کودک و دریافت آموزش‌های لازم‌اند. این ۷ درصد کودک ایرانی در ۱۰ هزار و ۶۰۰ مهد کودک موجود در کشور حضور دارند.

کودک‌آزاری در کشورهای چینی ایران، فقط به خانواده محدود نمی‌شود، بلکه در ابعاد کشوری این مسئله توسط دولت اعمال می‌شود. هنگامی که در ایران حرفی از کودک‌آزاری به میان بیاوریم بلافاصله محرومیت تحصیلی کودکان، کار کودکان، اعدام کودکان، ازدواج کودکان، سوءتغذیه کودکان، تجاوز جنسی کودکان، فروش کودکان، کودکان خیابانی، فروش ارگان‌های آن‌ها و غیره در مثال ما مانند هیولایی سر بلند می‌کنند. همه این مسایل با ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشور گره خورده است. ریشه اصلی همه این فجایع انسانی را باید در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حاکمیت جستجو کرد.

در آخرین تحقیقات کارشناسان شمار کودکان کار و خیابانی، ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر تخمین زده شده است. براساس تحقیقاتی که سال گذشته توسط وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، صورت گرفت بیش از ۵۰ درصد کودکان خیابانی توسط اعضای خانواده و یا صاحبان کار خود، در محل کار مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. از ۸۰۰۰ خشونت خانگی ثبت شده در سال ۸۴ حدود ۱۰۰۰ مورد آن کودک آزاری بوده است. براساس ماده فقهی

۶۲۲، سقف تادیب کودک را تا حد «کشته نشدن» برای والدین مجاز دانسته است و پدر و یا جد پدری حتی اگر فرزندش را زیر شکنجه بکشد مطابق قانون اسلامی قصاص نمی‌شود.

طبق آمار موجود ۱/۸ میلیون کودک در ایران، از تحصیل مانده‌اند که بخش عمده آن‌ها به کار مشغولند. آن‌هایی هم که به تحصیل می‌پردازند، وضعیت چندان مطلوبی ندارند.

در کشوری ثروتمندی همچون ایران، هر ساله کودکان بی‌شماری از تحصیل باز می‌مانند و به ناچار وارد بازار کار می‌شوند. در کارهایی خطرناک، مضر و سخت مانند گل‌فروشی، واکس‌زنی، آدامس و شکلات فروشی، فال فروشی، پاک کردن شیشه‌های اتومبیل، پلاستیک‌فروشی، شاگردی مغازه، باربری، کشاورزی، کوره‌های آجرپزی، و کارگاه‌های نمور و کم نور قالی‌بافی و دیگر کارگاه‌های کوچک و ... مشغولند. برخی از این کودکان، توسط باندهای مافیایی به تن‌فروشی، توزیع مواد مخدر، دزدی، تکدی‌گری و غیره وادار می‌شوند.

عده‌ای از کودکان کار، دارای خانواده هستند که شب به خانه برمی‌گردند و اما عده‌ای از آن‌ها سر پناهی ندارند، به ناچار در کنار کوچه‌ها و خیابان‌ها و زیر پل‌ها، خرابه‌ها، و پارک‌ها و یا به صورت دسته جمعی در جاهایی که باندها مافیایی در نظر گرفته‌اند شب را به صبح می‌رسانند.

اکثریت کار کودکان، از انواع و اقسام ناراحتی‌های روحی و جسمی رنج می‌برند. براساس تحقیقات و آمارها ۸۰ درصد کودکان کار در معرض انواع خطرات و بیماری‌ها همچون دچار سوءتغذیه، کم‌خونی، انواع بیماری‌های پوستی، چشمی، بیماری‌های مسری، پوسیدگی دندان، ناراحتی قلبی، کم‌وزنی و اختلالات دیگر قرار دارند.

کودکان کار، از هیچ حقوق قانونی برخوردار نیستند و در کارهای سخت و طاقت‌فرسا، حتی به مدت ۱۶ ساعت در روز کار می‌کنند، در حالی که دست‌مزد آن‌ها از ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان در ماه بالا نمی‌رود. در واقع سرمایه‌داران با بی‌رحمی تمام از دست رنج کار این کودکان کوچک، سودهای کلانی به جیب می‌زنند. کودکان کار، بی‌دردسر، بی‌ادعا و خستگی‌ناپذیر، نیروی کار ارزان سیستم سرمایه‌داری هستند.

این پدیده دردناک دلایل مختلفی دارد که فقر و محرومیت، عدم تامین معیشت خانواده، برای کمک به والدین و به دوش کشیدن بخشی از مسئولیت‌هایی است که باید به دوش دولت باشد نه به دوش کودکان. کودکان کار از تفریح و تحصیل و یک زندگی معمولی انسانی محروم می‌مانند و گاهی رشد ذهنی و جسمی‌شان آن‌چنان آسیب می‌بیند که آه و اسف آن تا آخر عمر با آن‌ها خواهد بود.

کودکی که چشم به جهان می‌گشاید فارغ از این که موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین این کودک در چه شرایطی قرار دارد، دولت موظف است نیازهای این کودک را برآورده سازد و تا ۱۸ سالگی امکانات برابری برای همه کودکان کشور اعم از تحصیل، بهداشت و درمان، سرپناه و تفریح و غیره را تامین کند. اما متأسفانه چنین نیست.

ستم و استثمار طبقاتی، زندگی را بر کودکان نیز سخت و دشوار کرده است. اگر در کشورهای غرب طبقه کارگر و جنبش‌های حق‌طلب دیگر با مبارزه پیگیر خود توانسته‌اند برخی از مطالبات خود از جمله کمک هزینه کودک و تحصیل و بهداشت رایگان را به دولت‌ها تحمیل کنند، اما در کشورهای آسیایی و آفریقایی، وضع کودکان بسی دردناک است. علاوه بر وادار کردن کودکان به کارهای سخت، آن‌ها را مورد آزار و اذیت نیز قرار می‌دهند. دولت‌ها نیز در قبال کودکان کم‌ترین احساس مسئولیت انسانی نمی‌کنند. در حالی که اکثر دولت‌های جهان کنوانسیون

حقوق کودک را پذیرفته‌اند، اما تعهد آن‌ها فقط بر روی کاغذ مانده و هیچ اقدامی در راه بهبود زندگی و تحصیل و بهداشت کودکان انجام نمی‌دهند.

وضعیت دردناک کارگران افغانی در ایران

حکومت جمهوری اسلامی، از روز شنبه ۶ آبان ماه، در یک اقدام ضدکارگری و راسیستی دستگیری و اخراج کارگران و مهاجرین افغانی فاقد کارت را آغاز کرده است.

براساس آخرین آمار رسمی بیش از ۳ میلیون مهاجر افغانی در ایران زندگی می‌کنند که تنها ۹۰۰ هزار نفر از آنان دارای کارت اقامت و تنها یک هزار نفر نیز مجوز کار در ایران را دارند.

جمهوری اسلامی، با تشکیل تیم‌هایی متشکل از وزارت کشور، نیروی انتظامی، دادستانی و وزارت بازرگانی به همراه بازرسان وزارت کار به مراکزی که مهاجران افغانی بدون مجوز مشغول کار هستند رفته و نسبت به اخراج آنان اقدام می‌کنند.

جمهوری اسلامی، در حالی اخراج کارگران مهاجر افغانی را آغاز کرده است که موج گسترده‌ای از خشونت‌های قبیله‌ای و فرقه‌ای و درگیری میان نظامیان ناتو و افراد طالبان بخش‌های وسیعی از افغانستان را در بر گرفته است.

حکومت جمهوری اسلامی و کارفرمایان، در ماه‌های اخیر تبلیغات فاشیستی خود بر علیه کارگران پناهندگان و مهاجرین افغانی تشدید کرده‌اند. مقامات جمهوری اسلامی، به شنیع‌ترین دروغ‌ها و تهمت‌ها نظیر نسبت دادن فساد و بیکاری و غیره سعی دارند جامعه را بر علیه پناهندگان و مهاجرین افغانی تحریک کنند تا از این طریق از یک‌سو آن‌ها را از ایران اخراج کنند و از سوی دیگر با این تبلیغات فاشیستی به سیاست‌های ضدکارگری خود سرپوش بگذارند.

بخش عظیم پناهندگان و مهاجرین افغانی در ایران، به عنوان بخشی از طبقه کارگر این کشور، نیروی کار ارزان-تری برای سرمایه‌داران محسوب می‌شوند. کارگران افغانی مقیم ایران، نزدیک به سه دهه است که در ایران کار و زندگی می‌کنند، اما از حق و حقوق شهروندی محرومند. آنان اجباراً با دست‌مزد کمتر و با ساعات طولانی‌تر به کارهای سخت وادار می‌گردند و اگر در مقابل این وضعیت کوچک‌ترین اعتراضی بکنند با خطر دستگیری و اخراج به جنگ و جهنم افغانستان مواجه می‌شوند.

کارگران افغانی، شهروندان ایران هستند و باید از همه حقوق شهروندی برخوردار باشند. اخراج آن‌ها غیرانسانی و مغایر با قوانین جهان‌شمول پناهندگان و مهاجران از جمله قوانین ۱۹۵۱ کنوانسیون ژنو است.

ما کارگران و مردم آزادی‌خواه جامعه ایران، موظفیم از حقوق آنان دفاع کنیم. کارگران ایران باید صدای اعتراض خود را به استعمار شدیدتر کارگران مهاجر افغانی و تهدید و اخراج آن‌ها رساتر سازند و نگذارند جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران با این تبلیغات پوچ و راسیستی سیاست‌های غیرانسانی خود بر علیه طبقه کارگر از جمله بیکاری و غیره را به حضور مهاجرین افغانی نسبت دهند. عامل بی‌حقوقی و فساد و بیکاری و غیره سیستم سرمایه‌داری و در راس همه حکومت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است، نه پناهندگان و مهاجرین افغانی و غیره. این‌ها دروغ‌های بزرگی است که جریانات راست و فاشیستی در تمامی نقاط جهان به پناهندگان و مهاجرین از جمله میلیون‌ها پناهنده

و مهاجر ایرانی نسبت می‌دهند. باید از حق اقامت و شهروندی پناهندگان و مهاجرین افغانی حمایت کرد و نگذاشت بین کارگران تفرقه بنیادزد.

شرکت ایران خودرو و وضعیت کارگران آن

ده‌ها هزار کارگر در شرکت ایر ان خودرو اشتغال دارند. سرمایه‌داران کارگران این شرکت بزرگ را وادار کرده‌اند حتی روزهای جمعه هم کار کنند. تولید پژو ۲۰۶، به ۲۱۰۰ دستگاه در روز رسیده است.

ایران خودرو، از شرکت‌های عمده تولید ماشین در ایران است که با وجود افزایش قیمت ماشین‌های تولیدی آن و درآمدهای کلان همواره دست‌مزد کارگران این واحد در سطح پایینی قرار دارد و همواره در معرض بیکاری و یا شدت کار قرار دارند. در سال‌های اخیر حتی گزارش شده است که هر سال ده‌ها نفر از کارگران این شرکت در اثر عدم ایمنی کار و یا شدت کار جان خود را از دست می‌دهند.

اخیرا قیمت برخی خودروها بین ۳۰۰ تا یک میلیون تومان نسبت به گذشته افزایش یافته است. در حالی که نه تنها هیچ نشانی از افزایش دست‌مزد کارگران این واحد بزرگ صنعتی کشور متناسب با تورم و گرانی واقعی افزایش نیافته، بلکه شدت کار آن‌ها نیز در حال افزایش است.

خودروهایی که قیمت آن‌ها افزایش پیدا کرده مربوط به تولیدات شرکت ایران خودرو است، بر اساس برخی برآوردها ۵۴ درصد بازار خودروی کشور را در اختیار دارد.

افزایش قیمت خودروی سمند بیش‌تر از سایر خودروها بوده است. این خودرو تنها خودرویی است که طراحی و ساخت آن در ایران صورت گرفته است و شرکت ایران خودرو در تلاش است تا آن را به کشورهای دیگر صادر کند.

به گفته مقامات دولتی خط تولید سمند در کشورهای روسیه و جمهوری آذربایجان راه اندازی شده و تا چند ماه دیگر خط تولید آن در سوریه نیز راه اندازی خواهد شد.

قیمت هر دستگاه سمند معمولی در بازار داخلی تا دو هفته پیش حدود ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بوده اما اکنون به حدود ۱۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است.

قیمت سایر خودروهای تولیدی شرکت ایران خودرو نیز افزایش یافته است و قیمت مدل‌های مختلف پژو که توسط این شرکت تولید و مونتاژ می‌شوند بیش‌ترین افزایش قیمت را در بازار داشته‌اند.

قیمت خودروی پژو پارس (پریشیا) ELX حدود ۹۰۰ هزار تومان افزایش یافته و از ۱۶ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان به ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است.

خودروهای پژوی ۲۰۶ که بر اساس تجهیزات نصب شده طبقه‌بندی شده‌اند نیز به طور میانگین ۴۰۰ هزار تومان نسبت به دو هفته قبل افزایش قیمت داشته‌اند.

اکنون در بازار تهران خودرو ۲۰۶ تیپ دو ۱۱ میلیون تومان، پژوی ۲۰۶ تیپ سه حدود ۱۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان، تیپ پنج حدود ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، و تیپ شش حدود ۱۵ میلیون تومان معامله می‌شود.

در این میان خودروی پراید که پرفروش‌ترین خودرو در داخل ایران است، حدود ۳۰۰ هزار تومان افزایش قیمت داشته است. این خودروی کره‌ای در شرکت سایپا تولید و مونتاژ می‌شود که دومین تولیدکننده بزرگ خودرو در ایران است و حدود ۴۴ درصد بازار را در اختیار دارد.

قیمت پراید از حدود شش میلیون و ۸۵۰ هزار تومان به حدود هفت میلیون و ۱۵۰ هزار تومان در بازار تهران رسیده است.

در سال گذشته شرکت سایپا نزدیک به ۳۵۰ هزار دستگاه پراید تولید کرده که رکوردی در تولید خودروهای سواری به حساب می‌آید. این خودرو به دلیل پائین بودن قیمت، بازار مناسبی در ایران پیدا کرده و طبقه متوسط که قدرت خرید خودروهای گران‌قیمت را ندارند، از این خودرو استقبال کرده‌اند.

گفته می‌شود یکی از دلایل اصلی افزایش قیمت خودروهای تولیدی شرکت ایران خودرو، صدور بخشی از خودروهای سمند تولیدی به خارج صادر است.

تولید خودرو در ایران در سال گذشته به بیش‌تر از یک میلیون دستگاه رسیده و پیش‌بینی می‌شود امسال به حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار دستگاه برسد.

اعتراض و اعتصاب و ضرب و شتم کارگران

جمهوری اسلامی، با سرازیر شدن میلیاردها دلار به خزانه‌اش با افزایش ناگهانی قیمت نفت، حتی دست‌مزد معوقه کارگران را نمی‌پردازد، کارخانه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل و کارگران آن‌ها به صف میلیونی بیکاران می‌پیوندند، اخیراً بحث تورم و گرانی به یک بحث جنجالی رسانه‌ها تبدیل شده است. فراتر از این احتمال تحریم اقتصادی ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل نیز در راه است.

علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر و نماینده مجلس، هم‌زمان با اوج‌گیری اعتراض‌های کارگری و سرکوب این اعتراضات، در نطق پیش از دستور خود در مجلس شورای اسلامی، گفته است: «کشور اکنون حدود ۱۳ میلیون جمعیت زیر خط فقر دارد و در این میان، نزدیک به ۲۰۰ هزار کارگر و خانواده‌هایشان که در ۵۰۰ واحد تولیدی نظیر شرکت‌های پوشینه باف، ناز نخ و سیمین نو شاغل هستند و بارها در مقابل مجلس شورای اسلامی شاهد حضور آن‌ها بوده‌ایم، ماه‌هاست که حقوق دریافت نکرده‌اند. حتی برخی از کارگران ۵۰ ماه است حقوق نگرفته‌اند. مستمری تصویب شده بازنشستگان نیز پس از هفت ماه هنوز پرداخت نشده است. مجلس نیز برای شش ماهه طرح تجدید نظر در قراردادهای موقت کار را به تعویق انداخته است.»

این سخنان یک عنصر شناخته شده جمهوری اسلامی از تریبون رسمی قانون‌گذاری این حکومت است. قطعا نیز آمار و ارقامی که محبوب و دیگر سران حکومت اعلام می‌کنند، تعدیل شده و پایین‌تر از ارقام واقعی اعلام می‌کنند تا به زعم خود شوک و بحران در جامعه دامن نزده نشود.

جمهوری اسلامی، پس از سرکوب شدید کارگران شرکت واحد، به خود جرات داد تا به کارگران واحدهای دیگر حمله کند. اگر کارگران واحدهای بزرگ صنعتی مانند صنایع نفت، پتروشیمی، ذوب آهن و ماشین‌سازی‌ها و .. به میدان بیایند و به حمایت و پشتیبانی از اعتراض واحدهای دیگر برخیزند نه تنها کارگران قادر خواهند بود حقوق

معوقه خود را یک جا از حلقوم سرمایه‌داران و حکومت بیرون بکشد، بلکه حق آزادی تشکل مستقل خود، اعتصاب و اعتراض و آزادی بیان را نیز به آن تحمیل خواهند کرد. در این جا به چند نمونه از اعتراضات کارگری اشاره می‌کنیم.

- کاهش ۳۰ هزار تومان از دست‌مزد کارگران قراردادی که در ابتدای سال به دست‌مزد کارگران اضافه شده بود، موج اعتراض کارگران را در پی داشته است. اما متأسفانه مبارزه سراسری و گسترده‌ای در این مورد شکل نگرفت. اما کارگران دیزل خودرو، در مقابل این تهاجم سرمایه‌داری ساکت نماندند و از اواسط شهریور ماه، به عنوان اعتراض به سالن غذا خوری نرفتند. پس از یک هفته بی‌توجهی به خواست‌هایشان، دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. هفت هزار کارگر دیزل خودرو، در شرایطی دست از کار کشیدند که قراردادهای موقت یک ساله آن‌ها تبدیل به قراردادهای یک ماهه شده است.

پس از اعتصاب کارفرمایان به وحشت افتادند و قرار شد روز چهارشنبه ۱۵/۶/۸۵ به کارگران پاسخ بدهند، اما در این مدت ۳ اتوبوس که از خط تولید بیرون آمده بود به آتش کشیده شد. نیروهای امنیتی کارخانه را به محاصره درآوردند که البته با تجمع و برخورد هوشیارانه فعالین کارگری نیروهای امنیتی نتوانستند اعتصاب را بشکنند. فقط برخوردهای پراکنده‌ای صورت گرفت. البته مشخص نشد که چه کسانی اقدام به آتش زدن اتوبوس‌ها کرده بودند. کارگران دیزل خودرو، با تداوم اعتصاب خود، مدیریت را وادار به عقب‌نشینی کردند و با افزایش ۲۰ هزار تومان به دست‌مزد‌هایشان به اعتصاب خود پایان دادند. این اعتصاب نشان داد که اگر کارگران متحد و آگاهانه عمل کنند به راحتی می‌توانند مطالبات خود را به سرمایه‌داران تحمیل کنند.

- در شهریور ماه گذشته کارگران پرریس سنندج، به مدت ده روز دست به اعتصاب و اعتراض زدند. کارخانه پرریس کارخانه‌ای خصوصی است.

کارفرمای این کارخانه، سعی می‌کند فعالین کارگری را از این واحد صنعتی اخراج کند تا سیاست‌های ضدکارگری خود را بدون مانع پیش ببرد. اما کارگران تاکنون چنین اجازه‌ای به سرمایه‌داران نداده‌اند و همواره از نمایندگان و فعالین خود دفاع می‌کنند. اعتصاب اخیر کارگران پرریس، علاوه بر خواست مطالبات اقتصادی و اجتماعی، در اعتراض به تهدید اخراج بهزاد سهرابی یکی از نمایندگان خود از طرف صاحب کارخانه شکل گرفت. در این مصاف، کارگران پرریس، در یک صف متحد در مقابل کارفرما و نیروی‌های امنیتی و پلیس ایستادند.

کارگران برای جلوگیری از اخراج این نماینده و سخنگوی خود، با شعار «اخراج سازی ممنوع» به مدت ۱۰ روز اعتصاب کردند. این اعتصاب مورد حمایت و پشتیبانی مردم سنندج و فعالین کارگری شهرهای دیگر نیز قرار گرفت.

نهایت امر، نیروهای امنیتی به دستور شورای تامین استان به کارگران اعتصابی حمله کردند و به طور وحشیانه‌ای کارگران اعتصابی و خانواده و کودکان آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و اعتصاب را شکستند.

نیروهای حفاظت و اطلاعات جمهوری اسلامی، روز سه‌شنبه ۲۵ مهر ماه منزل «شریف ساعد پناه» از کارگران شرکت ریسندهی «پریس» سنندج را مورد بازرسی قرار دادند.

«شریف ساعد پناه»، از جمله کارگران شرکت پریس بود که همراه با دیگر کارگران این واحد در اعتصاب شهریور ماه شرکت کرده بود. مامورین در جریان بازرسی منزل «شریف ساعد پناه»، کامپیوتر و دست نوشته‌های وی در خصوص شرکت پریس ضبط کرده و خود وی نیز به حفاظت اطلاعات احضار شد. نامبرده صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه به حفاظت اطلاعات سنندج مراجعه و سپس به دادگستری سنندج اعزام شده است.

- کارگران فرش البرز بابلسر، توسط مامورین ضدشورش مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. بنا به گزارش‌های منتشر شده کارخانه فرش البرز بابلسر، فعالیت خود را از سال ۱۳۵۶ با تولید فرش ماشینی ۳۵۰ شانه آغاز کرد و در دهه ۷۰ یکی از فعال‌ترین کارخانه‌ها در عرصه تولید بود که با ۶۳۵ کارگر و ۴۸ دستگاه فعال و تولید ۱۱ هزار متر مربع فرش ماشینی ۵۰۰ شانه ۱۰۰۰ تراکم در روز فعالیت داشت. با وجود این در سال ۱۳۷۷ با خروج ۲۴ دستگاه تولید فرش ماشینی ۳۰۰ شانه از کارخانه میزان تولید فرش در این واحد به ۴۵۰۰ متر کاهش پیدا کرد. مشکلات کارخانه فرش البرز درست از زمانی آغاز شد که هیات‌مدیره کارخانه تصمیم به قراردادی کردن کارگران این واحد گرفت. این کارگران، هر يك دست کم ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه کار داشتند.

از سال ۱۳۸۲ تاکنون ۳۰۰ نفر از کارگران فرش البرز بازنشسته و سایر کارگران نیز وادار به بازخرید کردن خود شدند که عده‌ای از کارگران آن را نپذیرفتند. اما کارگران آن در ۹ ماه گذشته با وجود برگزاری اعتراض و دیدار با مسئولان استان، موفق به دریافت حقوق معوقه خود نشده‌اند.

تا روز سه‌شنبه، ۱۱ مهر ماه، عده‌ای از کارگران کارخانه فرش‌بافی البرز بابلسر در بازداشت نیروهای پلیس بودند، سرانجام ۶۰ تن از آنان با سپردن وثیقه یک میلیون تومانی آزاد شدند.

خبرگزاری ایلنا، گزارش داده است ۳۰۰ تن از کارگران این واحد نساجی پس از ۹ ماه بلاتکلیفی قصد داشته‌اند ضمن تجمع در مقابل کارخانه به همراه خانواده‌های خود به سمت فرمانداری بابلسر راهپیمایی کنند که با مقاومت نیروی انتظامی مواجه شده و کار به درگیری و برخورد با کارگران و خانواده‌هایشان انجامیده است. همچنین جمعی از کارگران معترض این شرکت بازداشت شده‌اند.

اعتراض کارگران، ماه‌ها پس از آن صورت گرفته بود که صاحب کارخانه، به بهانه تغییر ساختار و نوسازی کارخانه در نامه‌ای به مدیرکل کار مازندران، اعلام کرده بود که ۲۰۰ تن از کارگران این واحد مازاد است. او در خرداد ۱۳۸۴، بخش بافندگی شرکت را نیمه تعطیل و اواخر شهریور سال گذشته، سرانجام این واحد را تعطیل کرده بود. بدین ترتیب ۳۰۰ کارگر رسمی شرکت کار خود را از دست داده بودند.

ایلنا، با چند تن از کارگران مجروح شده فرش البرز بابلسر در اثر حمله پلیس، گفتگو کرده است. حسین محسن پور، یکی از کارگران شاغل در فرش البرز بابلسر با بیش از ۱۵ سال سابقه پیرامون این حادثه می‌گوید: يك هفته قبل از عصر شنبه مورد نظر، روز جمعه ۴۰ نفر از کارگران این واحد که پی‌گیر مسایل کارخانه کارگران بودیم، به فرمانداری دعوت شدیم؛ آنجا در مورد وضعیت واحد با مالک (صاحب) شرکت صحبت کردیم و به ما گفتند که شنبه

هفته آینده (شنبه روز درگیری) کارخانه بازگشایی می‌شود و کارگران سر کار خود خواهند رفت. در این جلسه یکی از مسئولان امنیتی بابلسر گفت: ما صداقت داریم؛ اگر کارخانه تا روز شنبه آغاز بکار نکرد، مقابل شهربانی روی زمین زیر پای کارگران می‌خوابم!

همان روز گفتند که پنج‌شنبه، آخرین هماهنگی‌ها در مورد شرکت و کارگران به عمل می‌آید. روز شنبه ۴۰ تا ۵۰ نفر به فرمانداری رفتیم تا خبر بگیریم، اما نمی‌دانستیم که ماموران ضدشورش در انتظار ما هستند و با باتوم و گاز اشک‌آور از زن و بچه ما استقبال خواهند کرد!

آنان پیر و جوان و زن و مرد را به باد کتک گرفتند و از گاز اشک‌آور استفاده می‌کردند گویا ما انسان نیستیم و حق فریاد زدن و تظلم‌خواهی نداریم! نمی‌دانیم اینان از کجا آمده بودند؛ نیروی انتظامی بودند یا سپاهی، اما لباس پلنگی بر تن داشتند. عده‌ای از ما به اداره کار رفته بودند تا قضیه را پی‌گیری کنند و جمعی هم به فرمانداری آمده بودیم نمی‌دانم که چه شد، اما به یک‌باره بر سرمان ریختند تعدادشان زیاد بود، فکر می‌کنم که ۴۰۰ - ۵۰۰ نفری بودند! گویا فرمانداری از روز پنج‌شنبه نیروهای ضد شورش را خبر کرده بود و آنان در شهر مستقر بودند ما خبر نداشتیم.

حسین، با اشاره به گفته‌های فرماندار جدید که از ۵ ماه پیش به این سمت منصوب شده، گفت: ... اول گاز اشک‌آور زدند و بعد هم با باتوم افتادند به جان کارگران و خانواده‌هایشان و ما را داخل مینی‌بوس ریختند و روانه پاسگاه کردند. عده‌ای از ما را در اداره کار کتک زده و آورده بودند و عده‌ای را هم در فرمانداری مورد لطف و محبت خود قرار داده بودند! اگر دیگران مفهوم مهر ورزی دولت را متوجه نشده‌اند، ما خیلی خوب درک کردیم!

حسین، می‌گوید: دست هم‌سرم شکسته و الان در داخل گچ است و خودم نیز از ناحیه گوش راست آسیب دیده‌ام و شنوایی‌ام کم شده است! او می‌گوید: ۲ روز است که آزاد شده‌ام. ۴۳ نفر را به پاسگاه بردند که ۳۷ نفرشان کارگر بودند؛ تا امروز (پنج‌شنبه) هم با تعهد آزاد شده‌اند و ۱۵ نفر همچنان در بازداشت هستند که وضعیت آنان نیز بزودی مشخص می‌شود...

مهدی می‌گوید: تیر هوایی هم در کردند با قنداق اسلحه زدند زیر چشم من و سرم را شکستند و در حالی که لباس من خونی شده بود، با باتوم افتادند به جانم؟! در مینی‌بوس نشسته بودیم که گاز اشک‌آور زدند داخل ماشین و آنجا هم دوباره از ما پذیرایی مفصل کردند! آنقدر خون رفته بود که در پاسگاه از حال می‌روم و با این حال اجازه نمی‌دهند که ما را به بهداری ببرند قاضی حکم به بازداشت من می‌دهد و در زندان بود که سرم را پانسمان کردند. او می‌گوید گناه من و کارگران فرش البرز بابلسر چیست؟

باور کنید با فلسطینی‌ها این کار را نکردند که با ما انجام دادند؛ از قول من بنویسید که کارگران گرسنه و شرمند زنی و بچه‌ها را کتک زدن هنر نیست، اگر هنر دارید، مشکلات مردم را حل کنید و کارگری می‌گفت: در آستانه ماه مهر، مفهوم مهرورزی را خیلی خوب متوجه شدیم؟! و آن یکی گفت: اگر ناموس مردم به گناه بیفتد؛ مسئولش کیست؟! آخر تا کی می‌توان گفت: صبر کن! ایمان دارد از در بیرون می‌رود!!

- در روزهای ۲۹ و ۳۰ شهریور و اول مهر، حدود ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه الکتریک رشت، در خیابان‌های مرکزی شهر دست به راهپیمایی زدند و به طرف استانداری حرکت کردند. کارگران شعار می‌دادند: «قبه جنایت می‌کند استان (منظور استانداری) حمایت می‌کند»، «دزد زباله‌های شهر تهران برای غارت آمده به گیلان»، «مسئول بی‌کفایت ننگت باد» و ... کارگران خشمگین پس از راهپیمایی در مقابل استانداری تجمع و چند تن از کارگران سخنرانی کردند. یکی از آنها با خشم شرایط سخت زندگیش را گفت و این که دیگر جانش به لب رسیده و هر کاری ممکن است انجام دهد.

این کارخانه بیش از دو سال است که تعطیل شده و کارگران آن بیکار شده‌اند، بارها و بارها برای مطالباتشان دست به اعتراض زده‌اند. آن‌ها هر بار با وعده سر خرمن کارفرما و مسئولین دولتی روبرو شده‌اند.

مردم زیادی که شاهد راهپیمایی و تجمع کارگران بودند با آن‌ها ابراز همدردی می‌کردند و دوست داشتند کاری برای آن‌ها انجام دهند.

- کارخانه چینی ارس تبریز، ۱۵۰ نفر کارگر رسمی و ۱۴۰ نفر کارگر قراردادی دارد که روز شنبه ۸ مهر ماه، کارگران قراردادی به خاطر عدم تمدید قراردادشان و تمامی کارگران به خاطر حقوق معوقه به مدت ۴ ماه همراه با کارگران رسمی و خانواده‌ها دست به اعتراض و تجمع زدند. نیروهای انتظامی به کارگران معترض یورش بردند. تعقیب و گریز میان مامورین انتظامی و کارگران تا مقابل آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای تبریز کشیده شد.

- شنبه ۸ مهر ماه، کارگران شرکت سایپای گرمسار در مقابل کارخانه به خاطر عدم پرداخت حقوق به مدت ۸ ماه دست به تجمع و اعتراض زدند که با یورش نیروی انتظامی روبرو شدند.

- کارگران کارخانه چیت‌سازی تهران «بافکار»، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه یک سال گذشته خود در مقابل این کارخانه اقدام به تجمع نمودند. این تجمع صبح روز یکشنبه ۹ مهر ماه برگزار گردید و کارگران اعلام کردند که تا زمان پرداخت تمامی مطالبات خود اجازه انحلال کارخانه را نخواهند داد.

- کارگران قراردادی و رسمی کارخانه چینی بهداشتی «ارس» تبریز، صبح روز یکشنبه ۹ مهر ماه، برای دومین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود در مقابل سازمان کار و آموزش فنی حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی دست به تجمع اعتراضی زدند.

- کارگران شرکت «فرش پارس»، واقع در شهر صنعتی البرز قزوین، روز دوشنبه ۱۰ مهر ماه، در اعتراض به تعطیلی شرکت و عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل استانداری قزوین دست به تجمع زدند. بنا به گفته کارگران، کارفرمایان شرکت مذکور از ۷ ماه قبل این واحد را تعطیل و ۳۳۰ کارگر شرکت فرش پارس چهار ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و کارفرمایان از مراجعه به شرکت و رسیدگی به اعتراضات آنان خودداری می‌کنند.

- ۱۲۰ کارگر شرکت نساجی «درخشان» در استان یزد از ابتدای سال ۸۵ تاکنون فقط ۲ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت کرده و کارفرمایان از پرداخت مطالبات آنان خودداری می‌کنند.

- صبح ۱۲ مهر ماه، یک صد نفر از کارگران اخراجی تاسیسات دریایی خرمشهر، در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارگران با وجود گذشت ۴ ماه از اخراج خود، هنوز بلا تکلیف هستند.

- کارگران کارخانه قند شهرستان «فسا»، در استان فارس روز پنجشنبه ۱۳ مهر ماه، در مقابل این کارخانه دست به اعتراض زده و خواستار حل مشکلات خود از سوی مسئولین جمهوری اسلامی شدند. ۳۵۰ کارگر معترض کارخانه

قند فسا رفع تبعیض میان کارگران، پرداخت حقوق معوقه، متوقف نمودن واگذاری برخی از قسمت‌های کارخانه به بخش خصوصی و تغییر مدیران کارخانه را به عنوان خواست‌هایشان مطرح نموده و خواستار برآورده شدن آن‌ها شدند.

- کارگران شرکت «پوشینه بافت» قزوین، بار دیگر در مقابل استانداری قزوین دست به تجمع زده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. ۴۵۰ کارگر رسمی و ۲۵۰ کارگر بازنشسته شرکت پوشینه بافت اعلام کردند که از سال ۸۳ و پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی تاکنون هیچ‌گونه حقوقی به آنان پرداخت نشده است.

- بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بازنشسته شرکت «فیلتر البرز» قزوین، صبح روز یکشنبه ۱۶ مهر ماه در اعتراض عدم پرداخت مطالبات خود در مقابل این شرکت دست به تجمع زدند. بنا به گفته کارگران معترض، کارفرمایان این واحد از سال ۸۱ تاکنون مطالبات پایان کار آنان را پرداخت نکرده‌اند. کارگران معترض اعلام کردند که اردیبهشت ماه ۸۵ و طبق توافق با کارفرمایان شرکت مذکور مقرر شد در اولین فرصت حقوق بازنشستگان پرداخت شود، اما تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص انجام نشده است.

- کارگران شرکت «تخته سه لایی رجایی» ساری، روز سه شنبه ۱۸ مهر ماه در مقابل استانداری مازندران تجمع نموده و خواستار احقاق حقوق خود شدند. کارگران شرکت «تخته سه لایی رجایی»، اعلام کرده‌اند که از سال ۷۸ و بعد از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، کارفرمایان شرکت را تعطیل و ۲۴۰ کارگر آن را بیکار کردند.

- کارگران کارخانه یخچال سازی لرستان طی روزهای گذشته بار دیگر در مقابل استانداری لرستان دست به اعتراض زده و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند. کارگران شرکت‌کننده در این تجمع اعتراضی اعلام کردند که به دنبال واگذاری کارخانه یخچال سازی لرستان به بخش خصوصی پس از چند ماه این کارخانه تعطیل و ۳۰۰ کارگر آن نیز بیکار شدند. کارگران کارخانه یخچال سازی لرستان طی ۲ سال گذشته بارها اقدام به اعتراض نموده و خواستار بازگشت به کار خود شدند، اما تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص انجام نشده است.

- با واگذاری شرکت «پارسیلون» خرم آباد به بخش خصوصی، طی ۳ سال گذشته تاکنون یک هزار کارگر این شرکت اخراج شده‌اند. ۶۵۰ کارگر دیگر این شرکت نیز طی یک سال گذشته اقدام به بازنشستگی پیش از موعد نموده و تاکنون هیچ‌گونه حقوق و مزایایی به آنان پرداخت نشده است. بنا به اظهار کارگران شرکت «پارسیلون»، به علت تعویض هر ۴ ماه یکبار مدیران این واحد، هم اکنون شرکت مذکور با ۲۰ درصد ظرفیت فعالیت دارد و احتمال تعطیلی کامل شرکت و بیکار شدن کارگران باقیمانده نیز وجود دارد.

- کارگران کارخانه‌های ایران ترمه و تهران پتو ۴ ماه است حقوق نگرفته‌اند. کارگران کارخانه ایران ترمه و تهران پتو در قم، که هر دو مربوط به یک کارفرما می‌باشند ۴ ماه است حقوق نگرفته‌اند. این کارگران با توجه به آغاز ماه رمضان و سال تحصیلی جدید، بحران معیشتی‌شان چند برابر شده است. علاوه بر این، ۱۴۰ تا ۱۵۰ کارگر بازنشسته این دو شرکت، علی‌رغم مراجعات مکرر به این شرکت و نیز تجمعات متعدد در مقابل استانداری و اداره کار قم، تاکنون پاسخی دریافت نکرده‌اند. کارگران با این که ۱۵ ماه است بازنشسته شده‌اند اما هنوز سنوات آن‌ها پرداخت شده است.

- بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران خشمگین شرکت نساجی «پارسیلون»، روز چهارشنبه ۱۹ مهر ماه، پس از ۴ ساعت تجمع در مقابل اداره کل کار استان لرستان وارد ساختمان این اداره شده و پس از تصرف دفتر مدیرکل این نهاد خواستار رسیدگی مسئولین به مشکلات خود شدند. کارگران معترض گفته‌اند که پس از ۲۰ سال سابقه کار مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد هستند. آن‌ها همچنین اعلام کرده‌اند که مسئولین شرکت «پارسیلون»، گفته‌اند که برای هر سال یک ماه سنوات به آنان پرداخت خواهند کرد، در حالی که پیش از این کارگران برای هر سال ۲ ماه حق سنوات دریافت کرده‌اند.

به دنبال این اقدام کارگران شرکت نساجی «پارسیلون»، نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در اداره کار لرستان حاضر شده و اجازه ادامه تحصن را به کارگران ندادند.

- دو هزار نفر از کارگران کشتی سازی فراساحل نسبت به فردای خود ناامید هستند. یکی از کارگران شرکت کشتی فراساحل بندرعباس، درباره وضعیت کارگران قراردادی گفت: روز ششم مهرماه، کارگران ناراضی درب کارخانه را بستند و مدیر را بیرون کردند. بعد از آن کارفرما قول داد که کارگران اخراجی را به کار باز گرداند. ولی به قولش عمل نکرد. وی، از تجمع روزانه کارگران مقابل درب شرکت و اداره کار استان گفت: یک عده جلوی کارخانه جمع می‌شوند و یک عده هم به اداره کار می‌روند اما اداره کار جواب سربالا می‌دهد. این کارگران اخراجی نیرویی هستند که آموزش دیده‌اند... وی گفت برخورد آن‌ها با نیروهای رسمی توهین‌آمیز است. مدیر جدید یک دیکتاتور است و دایما کارگران را تهدید می‌کند. به همین خاطر احتمال دارد تحصن کارگران دوباره به درگیری و زدوخورد کشیده شود. با این تنظیمات مدیریت ما دیگر روحیه کارکردن نداریم. من خودم کارگر رسمی هستم و ۱۸ سال سابقه کار دارم، ولی روحیه کار کردن ندارم.

- کارگران ارومیه، در معرض بیکار شدن قرار دارند. یکی از فعالین کارگری ارومیه گفت: بیش از ۲۰ شرکت در ارومیه بحرانی هستند، برخی از شرکت‌ها مثل پیمان رسا و گونی باقی در ادامه بحران‌ها منحل شدند، برخی از شرکت‌ها مثل شرکت اروم دشت با بیش از ۱۰۰ کارگر در حال ورشکستگی هستند. برخی دیگر مانند آذرکام و ساونیه و...، دچار بحران مالی و مشکلات نقدینگی هستند. کارگران این شرکت‌ها در معرض اخراج و بیکاری قرار دارند.

- کارفرمایان شرکت‌های پیمانکاری طرف قرارداد با شرکت نفت گچساران حقوق و مزایای ۶ ماه بیش از ۲ هزار و ۲۰۰ کارگر قراردادی خود را پرداخت نکرده‌اند. شماری از کارگران قراردادی شرکت نفت گچساران روز دوشنبه ۲۴ مهر ماه، در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به تحصن زدند.

- کارفرمایان شرکت «چینی البرز» قزوین طی ماه‌های گذشته بیش از ۱۵۰ کارگر رسمی این واحد را اخراج و به جای آنان کارگران قراردادی را استخدام نموده‌اند. کارفرمایان واحد مذکور از کارگران قراردادی نیز تعهد گرفته‌اند که تا ۳ ماه حقوق خود را درخواست نکنند. در حال حاضر شرکت چینی البرز، ۴۰۰ کارگر دارد.

- طی چند ماه گذشته بیش از ۴۰۰ کارگر شهرک صنعتی بهارستان کرج از سوی کارفرمایان اخراج شده‌اند. کارفرمایان بحران مالی و ناتوانی در پرداخت حقوق کارگران را بهانه اخراج آنان اعلام کرده‌اند.

این‌ها فقط نمونه‌هایی از اعتراض و اعتصاب کارگران و جواب غیرانسانی کارفرمایان و جمهوری اسلامی، در شهرهای مختلف ایران است.

ماموران نیروی انتظامی و نیروهای امنیتی، به ویژه پس از روی کار آمدن دولت محمود احمدی‌نژاد، با اعتصابات و اعتراضات کارگری با خشونت برخورد می‌کنند. تجمع زمستان گذشته شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران از جمله این تجمعات بود که به حمله پلیس و دستگیری اعضای سندیکای رانندگان اتوبوس در تهران و ۱۲۰۰ نفر از اعتصاب‌کنندگان منجر شد.

جمع‌بندی

وضعیت کارگران روزبروز وخیم‌تر می‌گردد. نیروی جوان و تحصیل کرده هیچ امیدی به آینده خود در حاکمیت حکومت جمهوری اسلامی ندارد. بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی کلیه ابعاد جامعه را فراگرفته است.

به گزارش اینلنا، ۱۳۸۵/۰۸/۰۶ «علیرضا محبوب» دبیرکل خانه کارگر و نماینده مجلس شورای اسلامی، گفت: متأسفانه از سال ۱۳۷۴ کشور وارد دوره رکود و تورمی شد؛ یعنی در حالی که قیمت‌ها افزایش می‌یافت، مصرف

و قیمت کالاهای داخلی با رکود مواجه شد. دبیرکل خانه کارگر، با اشاره به بحران صنایع نساجی از سال ۱۳۷۸ گفت: صنعتی که برای ۹۰۰ هزار نفر شغل مستقیم و برای ۳۰۰ هزار نفر شغل غیرمستقیم ایجاد کرده بود با رکودی بی‌سابقه مواجه شد... در حال حاضر به زحمت می‌توان ۲ تا ۳ واحد بزرگ نساجی در اطراف این شهر- (تهران) یافت.

محبوب، یزد، اصفهان، کاشان، قائمشهر، رشت و تبریز را از جمله شهرهایی دانست که کانون صنعت نساجی در کشور بودند، گفت: بیش‌تر واحدهای نساجی در این شهرها ابتدا دچار بحران فروش و پس از آن با بحران عدم پرداخت حقوق کارگزارانشان مواجه شدند به گونه‌ای که این بحران‌ها اکنون نیز ادامه دارد... وی، با اشاره به اعتراضات کارگری واحدهای نساجی بحران زده استان قزوین افزود: در سفر رئیس‌جمهور به این استان شاهد اعتراض‌های کارگری این واحدها بودیم و حتی کارگران چند بار در مقابل مجلس تجمع کرده‌اند. دبیر کل خانه کارگر بحران صنعت لوازم خانگی، الکترونیکی و... را هشدار دهنده دانست و گفت: ۵۰۰ واحد صنعتی در سراسر کشور با بحران پرداخت حقوق کارگران از ۲ تا ۵۰ ماه دست به گریبانند؛ در این واحدها ۲۰۰ هزار کارگر شاغل هستند.

محبوب، آمار بیمه شدگان تامین اجتماعی را حدود ۷ میلیون نفر دانست و گفت: با احتساب کارگرانی که بیمه نیستند می‌شود تعداد کارگران را ۹ میلیون نفر دانست.

بیکاری و بی‌حقوقی کلیه محیط‌های کاری را فراگرفته است. کارگر ماهر و غیرماهر و کم سواد و تحصیل کرده از بیکاری و فقر در رنجند. رییس سازمان نظام پزشکی، گفته است: ۵۰ تا ۶۰ درصد ماماهاى کشور بیکار هستند. بهشتی، «دبیرکل کنفدراسیون صنعتی ایران» آمار زنان تحصیل کرده‌ای که به دنبال کار هستند را حدود ۶ میلیون نفر ذکر کرده است، آمار صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که ۱۰۵ هزار تن از نخبگان ایرانی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و ۱۸۰۰۰۰ تحصیل کرده برای فرار از ایران و مهاجرت به کانادا ثبت نام کرده‌اند. به گفته فیاضی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد بیست درصد متکدیان شناسایی شده این شهر تحصیلات در حد دیپلم و دانشگاهی دارند. در آمارى که اخیراً در دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت منتشر شد تاکید شد که ۸۴ درصد بیکاران زن و ۴۲ درصد بیکاران مرد، دارای تحصیلات متوسطه و دانشگاهی هستند. به گفته دکتر پروانه کمالی دهکردی، در نشست «بیکاری و چالش‌های جمعیتی» نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان يك و نیم برابر افراد فاقد مهارت یا آموزش‌های لازم است.

فرمان خامنه‌ای، مبنی بر شتاب خصوصی‌سازی، به ویژه در حال حاضر اسم رمز واگذاری شاه‌رگ‌های اقتصادی کشور به سپاه پاسداران و اخراج هر چه بیش‌تر کارگران است. البته بنیادهای دیگر همچون بنیاد مستضعفان، حامی احمدی‌نژاد است که بیش از ۴۰۰ شرکت را در بسیاری از زمینه‌های بانکداری، پتروشیمی، صنایع نساجی و... را در انحصار خود دارد.

سپاه، در بسیاری زمینه‌ها به فعالیت اقتصادی مشغول است که نمونه کلان آن تصاحب قراردادهای نفت و گاز و غیره است. از این رو خصوصی‌سازی در جمهوری اسلامی، دست به دست شدن شرکت‌ها و منابع طبیعی کشور در میان ارگان‌های سرکوبگر و نزدیکان سران حکومت است که در پی هر تغییر آسیب‌های فراوانی به طبقه

کارگر و ادار می‌سازند. اکنون آن بخش از صنایع که در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته است علاوه بر اخراج کارگران، هرگونه اعتراض کارگری را نیز با نیروی ویژه مستقیم خود سپاه سرکوب خواهد کرد. سپاه، از جمله با وارد کردن بی‌رویه قاچاق پارچه، کفش، چای، دارو، وسایل پزشکی، قند و شکر و غیره همه این مراکز کاری را به بحران و تعطیلی و فروپاشی کشیده است. این را در دعوای جناحی می‌توان از زبان این و یا آن مسئول دولتی هم شنید.

از سوی دیگر ادامه محاکمه فعالین کارگری دستگیرشده اول ماه مه ۸۳ شهر سقز، طی روزهای گذشته با اعتراضات گسترده کارگری در داخل و خارج ایران روبرو بوده است. در این میان گرایش رفرمیستی و لیبرالی جنبش کارگری در داخل و خارج مهر سکوت به لب زده است.

محمد شریف، وکیل مدافع محمود صالحی، «متهم» ردیف اول پرونده اول ماه مه سال ۱۳۸۳ شهر سقز، در گفتگو با خبرگزاری ایسنا، اعلام کرده که اتهامات وارده در آخرین جلسه دادگاه هیچ‌گونه ارتباطی با اقدامات او ندارد. وی با اشاره به این که پس از اخذ آخرین دفاعیات ختم جلسه رسیدگی اعلام شده است، گفت که منتظر صدور رای خواهیم بود اما علی‌الاصول انتظار می‌رود که رای به برائت وی صادر شود. جلسه دادگاه «محمود صالحی»، روز دوشنبه ۲۴ مهر ۱۳۸۵، به صورت غیرعلنی برگزار شد.

صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر ماه «جلال حسینی»، از فعالین جنبش کارگری کردستان و ایران، به همراه وکیل مدافع خود خانم «مهشید محدود»، در شعبه اول دادگاه انقلاب سقز حضور یافتند.

قاضی دادگاه اتهامات مطرح شده در خصوص محمود صالحی را نیز به جلال حسینی نسبت داده و نامبرده و وکیل مدافع وی نیز اتهامات دادگاه را رد کردند.

قرار است محسن حکیمی، فعال جنبش کارگری و یکی دیگر از دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سقز، در روز ۱۰ آبان ۱۳۸۵، در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سقز، مورد محاکمه قرار گیرد.

در چنین شرایطی، اگر سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه منافع و بقای خود را در سرکوب جنبش کارگری و تهدید و بازداشت فعالین کارگری می‌بینند، کارگران نیز راهی جز فشرده کردن صفوف طبقاتی خود ندارند. بنابراین، کارگران به طور منفرد و پراکنده نمی‌توانند در مقابل یورش هماهنگ کارفرمایان و حکومت و پلیس و زندان او مقاومت کنند. از این رو، مهم‌ترین اولویت نیروهای کارگری، این است که مبارزه وسیع و سراسری برای حق آزادی تشکل مستقل از حکومت، اعتصاب و اعتراض و آزادی بیان را گسترده‌تر از گذشته سازمان دهد. همچنین به دستگیری و دادگاه فعالین جنبش کارگری که اکنون با دادگاهی چند باره دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سقز در جریان است، اعتراض کند.

هدف جمهوری اسلامی، از به محاکمه کشیدن هر فعال و رهبر کارگری همچون محمود صالحی و جلال حسینی و محسن حکیمی، منصور اصائلو و غیره به معنی زهر چشم گرفتن از کارگران فعال و مبارز و خاموش کردن اعتراضات کارگری است. از این رو طبیعی است که جنبش کارگری کمونیستی در داخل و خارج کشور هماهنگ با هم حرکت کنند و ضمن تقویت همبستگی کارگران ایران با جهان و بالعکس به مبارزه پیگیر مطالبات کارگران برخیزند.

آزادی بدون قید و شرط محمود صالحی و جلال حسینی و محسن حکیمی و دیگر فعالین کارگری؛ به رسمیت شناختن تشکل مستقل کارگری، آزادی بیان، اعتصاب و تجمعات؛ پرداخت همه دستمزدهای معوقه؛ افزایش دست-مزدها متناسب با گرانی؛ و اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار، باید به مشغله اصلی و عمومی مبارزه کارگران و جریانات کارگری کمونیستی داخل و خارج کشور تبدیل شود.

تاکنون حمایت و همبستگی بین‌المللی در دفاع از کارگران ایران، تاثیر مثبت داشته و تا حدودی حکومت جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کرده است. برای نمونه می‌توان به کارزار جهانی در پشتیبانی از دستگیرشدگان اول ماه مه ۸۳ سفر و نیز آزادی کارگران دستگیرشده شرکت واحد و آزادی منصور اسانلو، سخنگوی این سندیکا اشاره کرد.

البته ناگفته نماند که گرایش رفرمیستی و لیبرالی جنبش کارگری ایران در داخل و خارج کشور در کمپین‌های دفاع از حق تشکل مستقل، اعتصاب و اعتراض و آزادی بیان کارگران نقش فعالی نداشتند. در بهترین حالت فعالیت آن‌ها، مراجعه به رهبری فدراسیون‌های کارگری برای نوشتن نامه‌هایی به سران جمهوری اسلامی خلاصه شده است. آن‌ها حتی در بسیاری از مواقع آگاهانه و عامدانه از دستگیرشدگان سفر به عنوان رهبران و فعالین جنبش کارگری نام نمی‌برند.

اساساً گرایش رفرمیستی و لیبرالی درون جنبش کارگری، همیشه چشم خود را به دست سرمایه‌داران و حکومت‌ها دوخته و به نیروی مستقیم طبقه کارگر برای مبارزه با سرمایه‌داری متوسل نشده است. این گرایش، با تکیه‌کردن طبقه کارگر و مماشات و سازش با سرمایه‌داران و حکومت‌ها، ضربات سنگینی به جنبش کارگری در ایران و جهان زده است. اما گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر، منافع کل طبقه را در نظر می‌گیرد و مبارزه ضدسرمایه‌داری را چه برای پیگیری مطالبات روزمره اقتصادی و اجتماعی و چه برای سازمان‌دهی انقلاب اجتماعی و برپایی حکومت کارگری هدایت می‌کند. بنابراین، فعالین جنبش کارگری کمونیستی، همواره با نقد عملکردها و سیاست‌های گرایش رفرمیستی و لیبرالی درون طبقه، از اتحاد و یکپارچگی و منافع طبقه دفاع می‌کنند.

از سوی دیگر، احتمال تحریم اقتصادی ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و یا حمله نظامی به این کشور نیز بحث‌های جنجالی رسانه‌ها در سطح جهان است. در چنین شرایطی، اگر ایران در محاصره اقتصادی قرار گیرد آوار آن بلافاصله بر سر کارگران و مردم محروم خواهد ریخت. ما کارگران و مردم آزادی‌خواه ایران، اعم از پیر و جوان، زن و مرد، افغانی و ایرانی در یک صف متحد طبقاتی با صدای بلند بگوییم ایران، هیچ نیازی به انرژی اتمی ندارد. همچنین احتمال تحریم اقتصادی و سیاست‌های جنگ‌طلبی را نیز شدیداً محکوم کنیم.

کارگران ایران و جهان، غیر از متشکل و متحد شدن و مبارزه پیگیر بر علیه سرمایه‌داری با هدف سرنگونی سرمایه و برپایی حکومت کارگری و تسریع روند لغو مالکیت خصوصی، کار مزدی و برقراری جامعه اشتراکی آزاد و برابر و انسانی، راه دیگری ندارند. تا روزی که کار مزدی وجود دارد، استثمار کارگر هم وجود خواهد داشت.

مسئله تا روزی که کارگران به عنوان یک طبقه متحد و متشکل و هدفمند در مقابل سرمایه‌داران و حکومت آن‌ها صف‌آرایی نکنند، سرمایه هم‌چنان به یکه تازی خود ادامه داده و قربانیان زیادی از جوامع بشری خواهد گرفت.

امروز بیش از هر زمان دیگری از تاریخ مبارزه طبقاتی، سازمان‌دهی مبارزه متحد و متشکل و هدفمند و سازمان-دهی انقلاب اجتماعی برای تعیین تکلیف با سیستم سرمایه‌داری، با اتکا به مبانی سوسیالیسم علمی، تنها راه پایان دادن به استثمار انسان از انسان در جهان و ایران است.

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

بیست و نهم اکتبر ۲۰۰۶